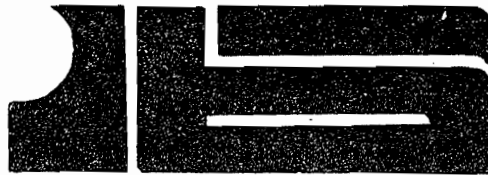


مرگ بر امپریالیسم  
امریکا  
دشمن اصلی خلق ما

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید



چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۵۹

۱۶ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۵۴

مردم در جشن سراسری خود بمناسبت قطع روابط دیپلماتیک با امپریالیسم آمریکا پیمان بستند:

## تقاطع کامل سلطه امپریالیسم

### به مبارزات ضد امپریالیستی خود ادامه خواهیم داد.

جمعه ۲۲ فروردین، دست به راهپیمایی زدند. میلیون ها تن از مردم میهن ما، به شادی قطع رابطه دیپلماتیک آمریکا با ایران، صوفی فشرده و انبوه توده های مبارز میهن ما چون سیلی عظیم و خروشان در



تظاهرات پرشکوهِ خلق

به شادی قطع رابطه دیپلماتیک آمریکا با ایران - تهران - جمعه ۲۲ فروردین ۱۳۵۹

## بنی صدر در فکر اتحاد با امپریالیسم اروپا و ژاپن

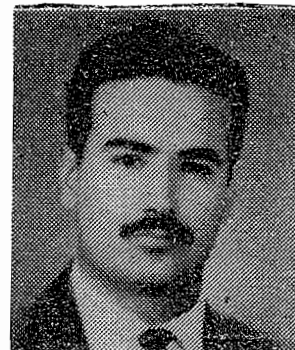
آقای رئیس جمهور، روز جمعه ۲۲ فروردین، در پایان تظاهرات ضد امپریالیستی مردم، یکبار دیگر تمایل خود را به بسط مناسبات اقتصادی و سیاسی با امپریالیسم اروپا و امپریالیسم ژاپن نشان داد. او طبق معمول کوشید دولت های امپریالیستی اروپا و ژاپن را که دشمنان سوگند خورده خلق های ایران و جهان اند، دوست مردم ما جلوه دهد! بنی صدر گفت: اروپا و ژاپن توانائی "بر قدرت" شدن را ندارند. آنها زیر سلطه آمریکا هستند. او قبلا نیز در سخنرانی اش که از صدا و سیما جمهوری اسلامی پخش شد، گفته بود که ما می توانیم با این دولت ها کنار بیاییم. راستی، منظور رئیس جمهور از کنار آمدن با این دولت های امپریالیستی و نیز منظور او از اصطلاح "بر قدرت" چیست؟

امپریالیسم یک سیستم جهانی است و هر دولت امپریالیستی از آن، با تسلط انگلیس و فرانسه گرفته تا امپریالیسم ژاپن و امپریالیسم آمریکا، اجزاء جدائی ناپذیر سیستم جهانی امپریالیسم هستند. اما آقای رئیس جمهور می خواهد زیر پوشش اصطلاح ضد تبلی "در این قدرت" که اختراع خود امپریالیست ها است، ماهیت ضد خلقی و امپریالیستی دولت های اروپا و ژاپن را پوشیده بقیه در صفحه ۲

به مناسبت سالگرد فاجعه ترور رفیق بیژن جزینی و همزمان...

از حماسه شهادت رفیق جزینی و همزمان

ناحماسه شهادت رفیق توماج و...



"سلولم مجاور سلول عباس سورگی بود. هر صبح باریتم بنادول "انتصر ناسونال" به یکدیگر صبح به خمری گفتیم. صبح چند روز مانده به ۳۰ فروردین بود. مثل هر صبح من مورس زدم. کسی جواب نداد. یک بار دیگر زدم. کسی جواب نداد. ساعت ۷ زدم، جواب نداد، ساعت ۸، ساعت ۹... ساعت ۱۲، ساعت ۴، ساعت ۱۲... نه سورگی در سلول نبود. بقیه در صفحه ۸

## قانون کار و مساله کارگران موقت

طرح مسئله کارگر ثابت و کارگر موقت، طرحی است تبعیض طلبانه و ضد کارگری. سرمایه داری این تبعیض را آگاهانه دامن می زند تا در مقابل اعتراضات کارگری از قدرت کنترل و سرکوب وسیع تری برخوردار باشد.

در صفحه ۱۵

### در این شماره:

- بنی صدر - موافق قطع ارتباط با آمریکا یا برخلاف آن؟ کدام یک! در صفحه ۶
- درباره زده مردم خاورمیانه علیه امپریالیسم آمریکا. شورای انقلاب در کنار کست؟ در صفحه ۱۴
- باندهای سواد، مزدور سرمایه داران در صفحه ۱۶
- احمدی پرشکوهِ مزدور و پادشاه در برابر کارگران! در صفحه ۱۷
- کامبوجیا: پنج سال پس از انقلاب ۱۹۷۵ در صفحه ۱۴
- ناسدازان غریبی دورود را هم به خون کشیدند در صفحه ۵
- همبستگی و تعاونت یکبارنه کارگران و کارکنان انشازات امریکایی به پیروزی انجامید در صفحه ۱۴

نه سازش، نه تسلیم، نه فرود با آمریکا

## ناقطع کامل سلطه ...

" ایران را گورستان امریکا می کنیم "

وقتی صف راهپیمایان به مرکز جاسوسی امریکا رسید .  
فطنا مه راهپیمایی از بلندگوها خوانده شد و پس از آن شرکت کنندگان با دادن شعارهای ضد امپریالیستی و با یک دنیا شور و شوق مبارزه .  
دسته دسته به سوی نقاط مختلف تهران روان شدند .

بقیة از صفحه ۱  
دشمن سوگند خورده خود و همه خلقهای جهان را می شناسد . زن و مرد و پیر و جوان با شورا شتابی به کوجه خود را در مبارزه علیه امپریالیسم امریکا و طبقه سرمایه دار وابسته به آن به نمایش گذاشتند .  
در این راهپیمایی عظیم مردم نشان دادند که به رغم همه اقدامات سازشکاران و مرتجعین ، وحدت و شور انقلابی خود را که ضامن تداوم مبارزه علیه امپریالیسم است ، حفظ کرده و پیش از پیش تقویت کرده اند .

در این روز به دعوت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ، جمعیت عظیمی از اعضا و هواداران سازمان در میدان بهارستان گرد آمدند . انبوه جمعیت بقدری بود که در ساعت ۹/۵ صبح میدان بزرگ بهارستان کاملاً برآز جمعیت بود و حتی خیابان این سینا نیز از انبوه جمعیت موح می زد .

در ساعت ۱۰ صبح جمعیت در صفوف منظم و فشرده با دادن شعار علیه امپریالیسم امریکا و علیه سازشکاران به سوی مرکز جاسوسی امریکا به حرکت درآمد . در جریان راهپیمایی مردمی که در مسیر قرار داشتند ، از پیاده روها پشت بام ها و بالکن ها راهپیمایان را مورد حمایت و تشویق قرار می دادند و عده ای از آنان نیز به صف عظیم راهپیمایان می پیوستند .

برخی از شعارهای راهپیمایی :

" اتحاد ، اتحاد ، اتحاد ، زحمتکشان اتحاد ، علیه امپریالیسم " " تحریم اقتصادی ، تهاجم نظامی ، مرکز اثر ندارد " " خروش هر کارگر ، خروش هر بزرگ ، مرگ بر سازشکار مرگ بر سازشکار " " در صورت تهاجم ، ایران را سراسر ویتنام می کنیم " " برچیدن شوراهای خلع سلاح مردم ، علیه زحمتکشان " " به نفع امپریالیسم " " اموال آمریکائی به هر نحو به هرسکلی ملی باید گردد "

## جشن اول ماه مه را هر چه با شکوه تر بزرگوار کنیم

بقیة از صفحه ۱

### بنی صدر در فکر اتحاد با امپریالیسم

دولت های امپریالیستی اروپا و ژاپن همانقدر دشوار است که تجزیه طلب جلوه دادن خلق کرد و ضدانقلاب خواندن نیروهای انقلابی

منظور آقای رئیس جمهور البته روشن است . او دولت های امپریالیستی اروپا و ژاپن را در مبارزه خود علیه کشورهای سوسیالیستی ، متحد خویش می داند و البته این درک او کاملاً بهجا است اما صد البته جناب رئیس جمهور نمی تواند مقصود خود را صراحتاً با مردم در میان گذارد .

سیاستی که امروز بنی صدر می خواهد به مرحله اجرا بگذارد کم و بیش همان سیاستی است که نظریه " سه جهان " نام گرفته است . این سیاست مرزهای طبقاتی را درهم ریخته و دولت های اروپائی و رژیم های دست نشاندهای مثل ضیاء الحق را متحد خلقهای تحت سلطه جلوه می دهد . این سیاست در عمل به دشمنی با کشورهای سوسیالیستی برمی خیزد و در کنار امپریالیسم جهانی قرار می گیرد و از همین رو است که بنی صدر در لفظ از لزوم مبارزه با " ابرقدرت " امریکا سخن می راند ولی در عمل هیچگونه قدم جدی در زمینه قطع وابستگی ایران به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا برداشته و نمی تواند هم بردارد .

سیاست خارجی شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور در تضاد مستقیم با خواسته های ضد امپریالیستی توده ها است و در بسیاری موارد با خط عمومی دیپلماسی امپریالیسم امریکا همسو است . شرکت در کنفرانس ارتعاعی پاکستان و نزدیکی آقای رئیس جمهور با ضیاء الحق امریکائی تنها جنبه ای از این همسوئی را نشان می دهد .

شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور به مناسبت قطع رابطه دیپلماتیک با امریکا در جشن و سرور توده های مردم خود را شریک می دانند . پرسیدنی است که اگر واقعاً خواستار این امر بودید ، پس چرا تا کنون پیشقدم نشدید ؟ پرسیدنی است که چرا هنوز هم از الغای قراردادهای امپریالیستی خودداری می نمائید ؟؟

بنی صدر می گوید :  
" من نمی خواهم اروپا و ژاپن را جانشین ابرقدرت ها بکنم من می خواهم ملت های اروپائی را که آمادگی دارند از سلطه ابرقدرت ها بیرون بکنم . "

آقای رئیس جمهور ! فعلاً بیرون کشیدن ملت های اروپائی از سلطه " ابرقدرت ها " پیشکش لطف بفرمائید قراردادهای ایران با کشورهای امپریالیستی را لغو کنید و در معرض دید مردم بگذارید . یکسال و اندی است که مردم خواستار قطع سلطه سیاسی و اقتصادی امپریالیسم جهانی در ایران هستند . لطف بفرمائید و کارنامه خودتان را در شورای انقلاب ، دولت و مقام ریاست جمهوری به مردم ارائه دهید .

نگاهدارد و بکوشد در توده ها این توهم را ایجاد کند که امپریالیسم آلمان ، ژاپن ، فرانسه و غیره متحد امپریالیسم امریکا نیستند بلکه دشمن امریکا و دوست ما هستند !

منافع امپریالیسم جهانی چنان بهم درآمیخته است که با کوچکترین اختلال در اقتصاد امریکا ، منافع دولتهای امپریالیستی اروپا و ژاپن به خطر می افتد و بالعکس . اختلاف امپریالیست ها تنها بر سر آن است که هر یک سهم بیشتری از استثمار و غارت خلقهای ایران و دیگر خلقهای زیر سلطه جهان را طالبند و اگر نه آنها در غارت و استثمار طبقه کارگر کشورهای خویش و خلقهای تحت سلطه ، شرکا و متحدان یکدیگرند .

وقتی منافع امپریالیسم امریکا در زبیر به خطر می افتد . امپریالیسم فرانسه بیدارنگ برای سرکوب انقلابیون زبیر به این کشور نیرو می فرستد هنگامی که امپریالیسم امریکا به کشتار خلق ویتنام دست می زند ، امپریالیسم انگلیس در کنار امریکا قرار می گیرد و در سرکوب مردم آفریقای جنوبی امپریالیسم امریکا ، فرانسه ، آلمان و ژاپن همگی در کنار رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی قرار می گیرند و در حمایت از رژیم شاه و غارت میهن ما همگی شرکت داشته و دارند و خلاصه این که هم اکنون امپریالیسم آلمان نیز برای دفاع از منافع امپریالیسم جهانی به خلیج فارس ناوگان اعزام کرده و ...

اگر آقای رئیس جمهور خبر ندارد که دارد - مردم ما ساهاست که می بینند چگونه بازار میهن ما را کالاهای ژاپنی ، آلمانی ، انگلیسی ، فرانسوی و آمریکائی اشغال کرده است و چگونه همه این کشورها نفت ما را به غارت می برند مردم آگاه ما به تجربه خویش دریافته اند که همه این دولت های امپریالیستی دشمنان ما هستند . کارگران و زحمتکشان ما به خوبی دریافته اند که سرمایه های کشورهای امپریالیستی متحدان آنان را استثمار و غارت می کنند . اگر تنها نظری کوتاه به تاریخ جنگ جهانی دوم تا کنون بیندازیم می بینیم که چگونه امپریالیست ها برای استثمار و غارت خلقهای جهان به هر جنابیتی دست می زنند و هیچ کدام دست کمی از دیگری ندارند . یک روز امپریالیسم آلمان خلقهای جهان را مورد تهاجم ارتش نازی قرار می هد و برای کسب منافع بیشتر میلیون ها تن از زحمتکشان جهان را کشتار می کند یک روز امپریالیسم ژاپن در حرص غارت بیشتر ، خلق گره را کشتار می کند ، روز دیگر فرانسه مردم محروم الجزایر را کشتار می کند امپریالیسم امریکا بزرگترین جنایات تاریخ را در ویتنام مرتکب می شود و با انگلیسها همراه با ارتش شاه ، خلق عمان را به خون می کشند و هم اکنون آلمان و فرانسه برای سرکوب مردم جنوب آفریقا ، نژادپرستان آفریقای جنوبی را تا دندان مسلح می کنند و در جاد به کشتار مردم مشغولند و ...

خیر ! آقای رئیس جمهور کار دشواری در پیش دارید ، تطهیر -

## بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست



# قطعه نامه راهپیمائی جمعه ۲۲ فروردین ۱۳۵۹ بشادی قطع رابطه آمریکا با ایران

## مردم مبارز ایران!

سرانجام اتحاد و مبارزه پیگیر کارگران و زحمتکشان همراه با تلاش و ایستادگی بیگانه‌جویانه نیروهای مبارز و انقلابی نقشه‌های سازشکاران را با شکست مواجه ساختند و امیرالیگم آمریکا روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کرد. از روز اشغال مرکز جاسوسی آمریکا تا لحظه قطع روابط دیپلماتیک، شورای انقلاب، وزارت خارجه و شخص رئیس جمهور تمام کوشش خود را به کار بردند تا به هر قیمت و به هر بهانه گروگان‌ها را آزاد و رابطه خود را با آمریکا بهبود بخشند و نظیر لطف آن را نسبت به خود جلب نمایند. مردم در برابر تمام این تلاش‌ها در طول این مدت همواره می‌خواستند گروگان‌ها محاکمه شوند و تنها در صورتی که امیرالیگم آمریکا شاه خائنتار و اموال به‌غارت رفته مردم را تحویل دهد، از محازات گروگان‌ها چشم‌پوشی شود.

ما می‌پرسم مگر نه اینکه دولت آمریکا به این علت روابط خود را با ایران قطع کرد که متوجه شد دیگر تلاش شورای انقلاب و وزارت خارجه برای تحویل گروگان‌ها یا مقاومت مردم روبرو شده و نمی‌تواند به‌انجام برسد. پس چگونه است که امروز شورای انقلاب و رئیس جمهور مدعی برجمنداری این مبارزه شده‌اند؟ نباید اجازه داد سازشکاران مدعی مبارزه صدامیرالیگمی شوند. تمام تلاش دولت آمریکا آن بود که گروگان‌ها به شورای انقلاب تحویل داده شوند. رئیس جمهور آمریکا درست به این دلیل تصمیم به قطع رابطه با ایران گرفت که رئیس جمهور ایران و شورای انقلاب از تحویل گرفتن گروگان‌ها قطع امید کردند و نباید فراموش کرد که موضوع "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" و حمایت آیت‌الله خمینی در این قطع امید و ارتباط درجور توجه است و اکنون همان کسانی که تا آخرین لحظات روز دوشنبه ۱۸

فروردین کوشش کردند درخواست کارتر را که در پیام وی کاملاً منعکس بود، برآورده سازند همان کسانی که پیام نوروزی آیت‌الله خمینی - حواستشان را برآورده می‌ساخت و از آن پیام بیشترین بهره‌بردار ی را کردند، همان کسانی که می‌خواستند و می‌کوشند شوراها را برچینند، همان کسانی که برای سرکوب خلق کردند تا درک می‌بینند، همان کسانی که با تمام نیرو تلاش می‌کنند مردم را در برابر امیرالیگم خلع سلاح کنند. همان گسان امروز می‌خواهند خود را برجمندار مبارزه علیه امیرالیگم و نمود کرده مردم را به اتحاد زیر پرچم خود دعوت کنند. آری! امروز شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور می‌کوشند این پیروزی مردم، یعنی قطع روابط دیپلماتیک آمریکا با ایران را به حساب خود بوسند. ما همه قویت‌گاری‌ها را با کمال قدرت افشا خواهیم کرد و اجازه

نخواهیم داد کسانی که در این مبارزات صدامیرالیگمی سهمی نداشتند، خود را برجمندار مبارزات صدامیرالیگمی برده‌ها معرفی کنند. قطع رابطه با آمریکا و هر پیروزی دیگری که خلق به دست آورد نتیجه مبارزه قهرمانانه طیف کارگر و دهقانان زحمتکش است. نتیجه مبارزات ای‌مان نیروهای انقلابی است، نتیجه مبارزه کسبه و پیشه‌وران، سربازان و درجه‌داران، هم‌امران و افسران جزء است، نتیجه مبارزه کارمندان و معلمین، دانشجویان و دانش‌آموزان، طلاب و روحانیون صدامیرالیگمی است که وجودشان سرسراشته و نفیست از امیرالیگم و شور مبارزات صدامیرالیگمی است. ما شرکت کنندگان در این راهپیمائی پرشکوهِ که به شادی قطع رابطه آمریکا با ایران برگزار شده است، با صدور این قطعه نامه، اعلام می‌داریم:

۱- ما همه نیروهای مترقی را به وحدت و تشکل زیر شعار "مرگ بر امیرالیگم جهانی به سرکردگی امیرالیگم آمریکا" دعوت می‌کنیم، ما تلاش کنی را که می‌خواهند تحت عنوان مبارزه با بر قدرت‌ها مبارزه صدامیرالیگمی مردم ما را به انحراف کشانند و لبه تیز آن را از سوی امیرالیگم آمریکا - دشمن اصلی خلق به این و آن سو منحرف کنند. قویا محکوم می‌کنیم، ما تلاش‌هایی که دولت‌های امیرالیگمی اروپا و امیرالیگم زاین را در دوست مردم ما جا می‌زنند. قویا محکوم می‌کنیم.

وحدت همه نیروهای مترقی حول شعار "مرگ بر امیرالیگم جهانی به سرکردگی امیرالیگم آمریکا" جنبش صدامیرالیگمی و دمکراتیک خلق‌های ما را تقویت می‌کند و به پیش می‌برد. ما همه تلاش‌هایی را که می‌کوشند به بهانه‌های شرعی و غیرشرعی بین صفوف مردم تفرقه بیندازند و جنبش خلق را به چند پاره تقسیم کنند و مردم را به دشمنی با هم بکشانند محکوم می‌کنیم. و این تلاش‌ها را مشخصاً به‌زبان خلق و در نتیجه در خدمت امیرالیگم آمریکا می‌دانیم.

۲- گروگان‌های امریکائی که تحت پوشش وظایف دیپلماتیک به سازماندهی مجدد شبکه‌های سیا و ساواک و ارتباط با فرماندهان ارتش به خرابکاری و توطئه علیه انقلاب و انقلابیون مشغول بوده‌اند، باید در پیشگاه خلق محاکمه و سپس با شاه و اموال به‌غارت‌رفته در صورت اعتراض امیرالیگم‌ها از استرداد شاه و اموال به‌غارت رفته حکم محکومتشان باید به اجرا گذاشته شود. ما هرگونه سازش بر سر مسئله جاسوسان امریکائی و بازگرفتن شاه و اموال به‌غارت رفته مردم را محکوم می‌کنیم.

۳- ما اقدامات رژیم ضد خلقی عراق را در سرکوب مبارزات خلق‌پایان خلق کرد و عرب عراق قویا محکوم کرده و حمایت و پشتیبانی قاطع خود را از مبارزات سازمان‌ها و احزاب مترقی و انقلابی خلق‌های مستکش عراق اعلام می‌کنیم. خرابکاری‌های رژیم عراق در تاسیسات نفتی ایران تهدیدات و تهاجمات نظامی علیه مردم ایران و برنامه‌های فریبکارانه رادیو بغداد همگی از سلسله تلاش‌هایی است که رژیم عراق برای منحرف ساختن مبارزات صدامیرالیگمی مردم ما و ضربه زدن به انقلاب و انقلابیون میهن ما بدان دست

می‌زنند. ما خلق‌های قهرمان ایران و عراق را به وحدت رزمنده علیه امیرالیگم آمریکا و رژیم سرکوبگر و ضد مردمی عراق دعوت می‌کنیم.

۴- ما تلاش حکومت و بافشاری شخص رئیس جمهور را برای خلع سلاح مردم و نیروهای انقلابی، تلاش در جهت خلع سلاح مردم در برابر امیرالیگم می‌دانیم و آن را قویا محکوم می‌کنیم. ما خواهان تشکیل ارتش خلق هستیم، ارتشی که بیست میلیون از مردم ما را در شوراها، کمیته‌ها و سازمان‌های مسلح نوده‌ای متشکل می‌کند. تنها چنین ارتشی است که می‌خواهد و می‌تواند از خلق در برابر امیرالیگم و طبقه سرمایه‌دار دفاع کند. ما انقادی فرماندهان امریکائی ارتش و تحکیم نظام اطاعت کورکورانه را که برای به‌خون کشیدن و سرکوب مبارزات زحمتکشان ایران دنبال می‌شود، دشمنی آشکار با مردم می‌شناسیم که برای آزادی و درآوردن همین ارتش دهها هزار شهید داده‌اند. ما از مبارزات پرسنل انقلابی و شورا‌های سربازان، درجه‌داران و افسران جزء قویا حمایت می‌کنیم.

۵- ما اعلام می‌کنیم ارتش در کردستان تحت پوشش مانور نظامی گشتار مردم غیور کردستان را تدارک می‌بینند. ما اعلام می‌کنیم ارتش در تدارک حمل جنگ خونین دیگری به خلق قهرمان کرد است. ما به جنایتکارانی که در این تصورند که به زور این ارتش دست‌بربرده آمریکا می‌توانند نهضت مقاومت خلق کرد را سرکوب و خفه سازند و درسی آن جنبش صدامیرالیگمی خلق ما را در سراسر ایران سرکوب کنند. هشدار می‌دهیم که این‌سازش جنبش مقاومت خلق کرد با پشتیبانی وسیع و همه جانبه نیروهای انقلابی در سراسر ایران و با بهره‌گیری از تجربه جنگ تحمیلی گذشته که به پیروزی جنبش مقاومت خلق کرد انجامید، به مراتب درسی بزرگ‌تر از گذشته به سرکوبگران خواهد داد. ما یکبار دیگر پشتیبانی خود را از هیئت نمایندگی خلق کرد و برنامه ۲۶ ماده‌ای آن اعلام می‌داریم.

۶- ما کوشش شورای انقلاب و دولت و برخی از مراجع را که می‌خواهند به‌بهانه‌های شرعی و بی‌بهره‌ی پوشش مقابله با اخلاقی‌گری می‌نمایند دهقانان را که از مالکین مصادره کرده‌اند از آنان بی‌سیس بگیرند و به مالکین برگردانند. محکوم کرده و زمین را حق مسلم کسانی می‌دانیم که روی آن‌کار می‌کنند زمین‌داران بزرگ و فئودال‌ها در سراسر ایران

باید در اختیار شورا‌های دهقانی قرار گیرد. دولت باید حق مالکیت شورا‌های دهقانی ترکمن صحرا را بر زمین و دیگر وسائل تولید به رسمیت بشناسد. ما هرگونه تجاوز به حقوق شورا‌های دهقانی را در بهره‌برداری از زمین‌هایی که در اختیار گرفته‌اند قویا محکوم می‌کنیم.

۷- دولت، شورای انقلاب و مدیران و کارفرمایان موسسات به بهانه‌های مختلف و به نام "پاکسازی" کارگران و کارکنان آگاه و مبارز را اخراج و بیچاره می‌کنند. رئیس جمهور تهدید کرده‌است که شوراها را برمی‌چیند و مقاومت کارگران را تحت عنسوان اخلاص سرکوب می‌کند. در همین حال هیئت حاکمه می‌کوشد عوامل رژیم شاه و عناصر معور و کثیفی را که به دست کارگران از کارخانه‌ها و موسسات اخراج شده‌اند به سرکار بازگردانند. ما این سیاست‌ها را مشخصاً به سود طبقه سرمایه‌دار می‌شناسیم. ما همه نیروهای مترقی را به پشتیبانی از شورا‌های کارگری و پاکسازی عناصر ضدکارگری و ضد مردمی دعوت می‌کنیم.

۸- ما اعلام می‌کنیم باند‌های سپاه و دستجات جنایتکار به مثابه یک خطر جدی در برابر جنبش انقلابی خلق قرار گرفته‌اند. کمیته‌ها، سپه‌ها پاسداران و دولت از این خائنتاران حمایت می‌کنند و آنان را در پیاف خود می‌گیرند هم‌اکنون شخص رئیس جمهور از معرفی عاملین فاجعه ترور رهبران شورا‌های خلق ترکمن توماج، مخموت، واحدی و جرجانی به پیشگاه خلق اجتناب می‌کند و بدین طریق آنان را عملاً در پناه و حمایت خود گرفته‌است. ما همه نیروهای انقلابی را برای افشای و نابودی این باند‌های جنایتکار که هرروز در گوشه‌های از میهن ما دست خود را به خون انقلابیون خلق آغشته می‌کنند، به اتحاد عمل دعوت می‌کنیم.

۹- بسن از یکسال از قیام پرشکوهِ خلق ما می‌گذرد، اما نه تنها مشکل گرانی، بیکاری و بحران مسکن حل نشده بلکه بر اثر سیاست‌های دولت روز به روز بیکاری و گرانی شدت بیشتری یافته‌است و امروز سلامت و زندگی میلیون‌ها زحمتکش ایرانی را به خطر انداخته‌است. ما مسئولیت ادامه و تشدید گرانی کم‌رکن، بیکاری و بحران مسکن را متوجه سیاست‌های دولت و شورای انقلاب می‌دانیم.

مرگ بر امیرالیگم جهانی به سرکردگی امیرالیگم آمریکا  
پیروز بیاد مبارزات صدامیرالیگمی و دمکراتیک خلق‌های ایران  
گسترده‌ی باد اتحاد عمل همه نیروهای کسبه در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

### باند‌های سیاه ...

بقیه از صفحه ۱۶

توده‌ها به هیچ دیکتاتوری تضمین نمی‌کنند. برارتش ضد خلقی فائق می‌آیند و سیاست‌های اصلاح طلبانه سرمایه‌داری و امپریالیسم هم دیگر توده‌ها را نمی‌فریبد. این گروه‌های ضد انقلابی در حقیقت دست‌وپازدن‌های مدبوخانه امپریالیسم و وابستگی را به نمایش می‌گذارند. در شرایط امروز جهان و در کشورهای که سرمایه‌داری داخلی شان وابسته به امپریالیسم جهانی است، حکومت‌های داخلی که حافظ منافع سرمایه‌داران وابسته است رهبری باندهای سیاه را به عهده دارند و چون فعالیت این باندها ظاهراً جدا از فعالیت سیستماتیک سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی این کشورها صورت می‌گیرد، حکومت‌ها از وجود و فعالیت چنین گروه‌هایی اظهار بی‌اطلاعی نموده و ظاهراً خود را مخالف اعمال سیاه این گروه‌ها نشان می‌دهند ولی تجارب انقلابات جهانی نشان داده است که حکومت‌ها در آستانه سقوط خود متوسل به دامان ناآگاهترین و عقب‌مانده‌ترین قشر توده‌ها شده و آنها را علیه مردم به پا خاسته‌گروه‌های می‌کنند و به این ترتیب باندهای موجود می‌آورند. برای انجام منحصرتربین و وحشیانه‌ترین و سیاه‌ترین شیوه‌های ترور و آزار اعضای باندهای سیاه از لایحه‌ها از ناآگاهترین و معسولانی بی‌چیزترین توده‌ها هستند که وقتی به خدمت این باندها درمی‌آیند دیگر تید بیل به مزدورانی می‌شوند کسبه علیه توده‌ها به کار گرفته می‌شوند. روسا و سردمداران این باندها اعضای سازمان‌های جاسوسی و تروریستی بین‌المللی و وابسته به امپریالیسم جهانی هستند. در تاریخ مبارزات کشورها، دوره‌هایی از فعالیت ضد انقلابی این باندها ثبت شده است که نشان‌دهنده عمق ماهیت ضد خلقی رژیم‌های دست‌نشانده آن کشورهاست. باندهای سیاه در یونان سرهنگان، در شیلی، ترکیه، اندونزی، کشورهای آفریقایی و در هر جا که مبارزه‌ای علیه سلطه امپریالیسم وجود داشته فجایعی به بار آورده‌اند که در تاریخ جنایات امپریالیسم نمایانگر سیاه‌ترین اعمال ضد خلقی آنهاست.

در میهن ما نیز در دوران انقلاب چماق به دستان آریامهری که توسط ایادی و وابستگان امپریالیسم امثال سالار جاف‌ها سازمانده‌های می‌شدند در اوج ورشکستگی سیاسی رژیم شاه فعالیت‌های ضد انقلابی خود را شروع کردند. خلق قهرمان ما تنها این باندها را در هم شکستند بلکه ارتش ضد خلقی و امپریالیستی را نیز عقب راندند. اما بعد از سرنگونی شاه فعالیت این گروه‌ها همان شیوه‌های منتهی در قالبی دیگر و با شعار " حزب فقط حزب الله " از سر گرفته شد. مردم مبارز ما، زحمتکشان ما که انقلاب خونینی پشت سر گذاشته‌اند از این گروه‌ها به شدت متنفرند و از دیدن صحنه‌های جنایات آنها خشمگین می‌شوند. سازمان‌ها و گروه‌های مترقی و توده‌ها بارها از جناح خود ریه اشکال مختلف از تقویت چنین گروه‌هایی نشان داده‌اند. اما هر روز شاهد رشد یافتن و مشکل‌تر شدن این باندهای سیاه هستیم. این گروه‌ها از ظرف ایادی سرمایه‌داران وابسته، فتوای‌ها و زمبنداران بزرگ سازماندهی می‌شوند و جناحی از حاکمیت آنها را تقویت می‌کند. این جناح در شورای انقلاب، سیاه پاسداران، کمیته‌ها، ارتش و مخصوص حزب جمهوری اسلامی ریشه دوانده‌اند. شیوه برخورد ارگان حزب جمهوری اسلامی، با این باندها به خوبی نشان می‌دهد که باندهای سیاه مورد حمایت چه احزاب و محافل است. همیشه بعد از یک حمله وحشیانه به صفوف نیروهای مترقی و درگیری‌های خونین و کشته شدن چندان مبارز، روزنامه جمهوری اسلامی می‌نویسد، فلان سازمان میتینگ داشت و گروهی از مردم! به مخالفت با آن میتینگ شعارهایی علیه آنها دادند و یا گروهی از مردم خشمگین! به صف ضد انقلابیون! حمله کردند روزنامه جمهوری اسلامی وقیحانه این اوپاشان را گروهی از مردم تلقی می‌کند و می‌گوید حرمت انقلابی مردم مبارز ما را یائین بی‌آورد. توده‌های رزمنده ما طی دوران یکساله انقلاب و در روزهای خونین و پرشکوه قیام نشان دادند که از چه متانت انقلابی‌ای برخوردارند. مردم

ما با حملات خشمگین خود به صف اوپاشان چماق به دست و دستگیری آنها نشان دادند که چه نفرت عمیقی نسبت به این باندهای سیاه و مرتجع دارند. سوزاندن طفلی ۳ ساله در شوشتر، کشتن مبارزین با ترور شده، ربودن عناصر مترقی و کشتن آنها بر شکنجه‌های آریامهری، آتشزدن، عریه کشیدن، خرابکاری، ترور و ایجاد فضائی متشنج و خفقان‌آور نه کار توده‌های انقلابی ما بلکه تنها و تنها کار امثال تهرانی‌ها و حسینی‌های جلاد، مزدوران و سرسپردگان امپریالیسم می‌تواند باشد. باندهای سیاه خطری جدی برای امنیت توده‌ها و سازمان‌های انقلابی و ضد امپریالیست هستند. آزاد شدن ساواکی‌ها در این روزها از زندان‌ها این خطر را جدی‌تر می‌کند. آنان با تجاری‌گری دارند، قطعاً سازماندهی مجدد نیروهای ضد انقلابی کمک خواهند کرد و اینک که مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها هر روز گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌شود، باندهای سیاه دست به توطئه‌های جدیدی خواهند زد. مادر گوشه‌کنار میهنمان هم اکنون شاهد اعمال سیاه آنان هستیم. هر روز می‌شویم کسبی را ربودند، ترور کردند و یا جسد تکه‌تکه شده‌ای در گوشه‌ای به دست آمد. نیروهای انقلابی موظفند ماهیت این باندهای سیاه را به توده‌ها توضیح دهند و با روشی و عمل انقلابی و با روشی آنان را خنثی نمایند. باندهای سیاه از طرف ضد انقلاب یعنی سرمایه‌داران وابسته، مالکین و زمینداران بزرگ، شیوخ و مرتجع محلی، سران ارتش، وابستگان به دربار سلطنت و طلبان حمایت شده و توسط عناصری چون بختیار، قطب زاده، چمران و... سازماندهی می‌شوند. مبارزهای بی‌امان علیه باندهای سیاه و اعمال ننگین آنان را جهت پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها به پیش بریم و از افشای اعمال جنایتکارانه آنان برای توده‌های ستمدیده غافل نشویم.

**باندهای سیاه**  
ورشکستگی سیاسی وابستگی به امپریالیسم را به نمایش می‌گذارند.

### ترور مبارز شهید رفیق شاپور تقریبی

باز هم باندهای سیاه فاجعه آفریدند. این بار سندج محل فاجعه انتخاب شده بود و جاش‌های محلی این مزدوران سرسپرده امپریالیسم مجری "فرمان سیاه" بودند.

رفیق شاپور تقریبی، رزمنده دلیر کرد قربانی جنایتی هولناک شد. رفیق از دوران دانش‌آموزی به مبارزه با رژیم بر خاست و در راه رهایی خلق ستمدیده، جانبازی‌ها و



رشادتهای زیادی از خود نشان داد. ساواک نتوانست بر او دسترسی پیدا کند و رفیق تا آخرین لحظه زندگی افتخارآمیز درسنگر مبارزات توده‌ها به ستیز با دشمنان خلق ادامه داد. سرانجام روز چهارم اسفند ۵۸ هجری که رفیق با مقداری اعلامیه به قصد مسافرت به کرمانشاه از شهر خارج می‌شوند، در کامیاران توسط جاش‌ها و پاسداران دستگیر شد. مدت ۱۴ روز زندان جمهوری اسلامی بود. در این مدت جاش‌ها و پاسداران چند روزی به او غذا ندادند و بعد متوسل به وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها شدند تا مقاومت رفیق را درهم شکنند. اما رفیق تمام شکنجه‌ها را دل‌ورانه تحمل کرد و به آمان خلقش وفادار ماند. جسد رفیق نشان از آثار شکنجه‌های دارد که در شکنجه‌گاه‌های شاه به انقلابیون می‌دادند. جاش‌ها بدن و صورت او را با اظوپوسیگار سوزانده‌اند، دشتهای در گلپوش فرو کرده و با گاز در سرش را بریده‌اند و گلوله در مغزش خالی کرده‌اند جسد رفیق در گردنه پلنگان پیدا شد و سندی انتقال داده شد. زندگی سراسر افتخار آمیز

رفیق شاپور و مقاومست قهرمانان ما در مقابل مزدوران حکایت از ایمان و اعتقاد او به آرمان طبقه کارگر و سایر زحمتکشان دارد. ایمانی که او را تا مرز چنین شهادت‌هایی بالا می‌برد. شکنجه وحشیانه این عوامل مزدور نشان از وحشت آنها از نیروهای انقلابی میهنمان و کشتن مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها دارد. ما مبارز بگر مردم را به قضاوت می‌خوانیم. آیا جاش‌ها این دشمنان قسم خورده خلق کرد می‌توانند آنچنان که بنی‌صدر می‌گوید " برادران مسلمان کرد " باشند؟ آیا فرماندهان ارتش را در ما بودند که این پاسدار ساواکی‌های جلاد برادران ما باشند؟ بدون تردید این جنایات بی‌پاسخ نخواهد ماند و خلق ایران همراه با همه نیروهای انقلابی خیلی زود تر از آنچه چنانچه تصور می‌کنند، آنان را به سزای جنایت‌هایشان خواهند رساند.

\* جاش بزبان کردی یعنی جاسوس، آدم فروش، ساواکی



## پاسداران غیربومی

### دورود را هم به خون کشیدند

در شهر دورود، پاسداران اعزامی در دفاع از زمین داران بزرگ و سرمایه داران، به روی دهقانان و کارگران و جوانان بیچار شهر آتش گشودند. آنها پاسداران بومی را که از مردم دفاع می کردند، خلع سلاح و وادار به استعفا کردند. پاسداران اعزامی که از تهران حمایت می شدند وحشیانه مردم را به رگبار مسلسل بستند. در این درگیری ها عده ای از مردم توسط پاسداران اعزامی کشته و زخمی و گروهی نیز بازداشت شدند.

در منطقه دورود، بخش وسیعی از زمین های منطقه در اختیار معدودی بزرگ مالک قرار دارد. این مالکین در عین حال زمین های مرغوب را در اختیار دارند. در مقابل این دسته کوچک دهقانان فقیر منطقه قرار دارند که با بی زمین، بیکاری، گرانی، فقر و گرسنگی دست به گریبانند. به این دلیل از چندی قبل بین روستائیان و مالکین درگیری و خورد و خوردهای به وجود آمد و گسترش یافت. مبارزه دهقانان علیه زمین داران بزرگ منطقه تا به آنجا پیش رفت که مثلاً در روستای "پیرآباد" از توابع دورود، دهقانان زمین داران بزرگ را مصادره کردند و با در اختیار گرفتن ماشین آلات کشاورزی به کشت جمعی زمین پرداختند. دهقانان روستاهای سندرگان، سیاه کله، جغابهرام و کوان نیز شوراهای دهقانی تشکیل دادند و به مصادره انقلابی زمین مالکین بزرگ و فتوادلها دست زدند.

سیاه پاسداران دورود، در بیشتر مواقع از دهقانان دفاع می کردند و در مقابل تقاضای مالکین بزرگ که از آنها می خواستند علیه دهقانان اقدام کنند، مقاومت می کردند. دادگاه انقلاب اسلامی دورود برخلاف پاسداران بومی دورود، همواره جانبدار زمین داران بزرگ و فتوادلها را داشت و به کمک رئیس زاندارمری، دهقانان منطقه را سرکوب می کرد.

#### ۱۳ و ۱۴ فروردین

با ادامه بیکاری و بخصوص با اخراج و بیکار شدن کارگران چند شرکت ساختمانی و صنایع نظامی دورود، دسته دسته کارگران و جوانان بیکار به مقامات رسمی شهر مراجعه می کردند و خواهان کاری می شدند. بی اعتنائی مکرر مقامات به درخواست کارگران و بیکاران باعث می شود که آنان برای

طرف مرکز شهرداری هجوم می آورند. مردم از پاسداران بومی حمایت می کردند و با نفرت شعار می دادند: "پاسدار غیربومی اخراج باید گردد". گفته می شود پاسداران اعزامی برای توجیه کشتارهای خود، ساختمان شهرداری را به آتش می کشند و برای سرکوب انقلابیون شهر، مردم و نیروهای انقلابی را متهم به جنگ افروزی و آشوب می کنند. در این هنگام شهر یکارچه علیه پاسداران اعزامی به اعتراض برمی خیزد. خیابانها توسط مردم بسته می شود تا مانع از حرکت خودروهای نظامی پاسداران شوند.

خانه رازانی رئیس پاسداران غیربومی به آتش کشیده می شود و مباردت به بازداشت وسیع مردم می کنند.

دستگیری و بازداشت مردم و ایجاد محبوس و وحشت هم اکنون نیز ادامه دارد. اعزام پاسداران اقدام به سرکوب مردم طبق اطلاعات موجود با صلاح دید دستور رئیس جمهور، صورت گرفته است. دادستان انقلاب اسلامی برای تعهد دادی از بازداشت شدگان به اتهام محاربه با خدا، تقاضای اعدام کرده است. هم اکنون گروهی از مردم و خانواده های بازداشت شدگان در تحصن به سر می برند. کشتار مردم دورود و اقدامات سرکوبگرانه پاسداران اعزامی و دادگاههای انقلاب و تبلیغات رادیو و تلویزیون و فریب کاری های مقامات، خشم مردم منطقه را برانگیخته است. مقامات رسمی تمام کوشش خود را به کاری می برند تا حقایق را از مردم پنهان کنند و برای اقدامات سرکوبگرانه خود توجیهات لازم را فراهم آورند.

پاسداران اعزامی از همان روز با مانورهای نظامی به انواع خشونت دست می زنند تا شهر را متشنج ساخته و محیط ارباب و وحشت به وجود آورند. مردم دورود، در اعتراض به اقدامات پاسداران اعزامی، دست به تظاهرات می زنند و با شعار "پاسدار غیربومی اخراج باید گردد" خواهان اخراج پاسداران اعزامی می کردند.

پاسداران اعزامی برای مقابله با اعتراض مردم ابتدا اقدام به تیراندازی هوایی می کنند و به فاصله کوتاهی مردم را هدف می گیرند و به خاک و خون می کشند که در نتیجه آن ۳ تن به شهادت می رسند و دهها تن زخمی می شوند. کشتار پاسداران، موجب گسترش خشم و اعتراض مردم می شود و از هرسوی شهر به

## به مناسبت جهلین روز شهادت فدائی خلق رفیق سعید عقیقی خاطره اش را گرامی می داریم

رفیق سعید عقیقی دانشجوی پیشگام دانشگاه رازی در اواخر بهمن سال گذشته توسط مردان مسلح ربوده شد و در ۶ اسفند ماه سال ۵۸ جسد او را که نشانه شکنجه های وحشیانه بر آن بود در تپه های سراب نیلوفر یافتند. شواهد حاکی است که این کشتار وحشیانه توسط باندهای سیاه درون سپاه پاسداران انجام گرفت. مطابق تحقیقات انجام شده

## توطئه علیه خلق کرد

بنا به اطلاع واصل احمد مفتی زاده روحانی مترجم معروف که رهبر جاش های منطقه کردستان می باشد، روز ۱۷ فروردین به همراه خلیل ملکنی از فتوادل های عشایر تیره کوه و منطقه دیواندره (که قبلاً از دست شاه مخلوع به دریافت نشان فرهنگ برنوشده است) و چند نفر از خود فروختگان امیرحسینی به تهران آمده و در جلسهای با حضور سرتیپ

## سرمایه داران و زمینداران تاندان مسلح شده اند

پس از پیروزی جنبش مقاومت خلق کرد و شکست سیاست سرکوب خلق و فرار جاشهای خود فروخته از شهرهای کردستان، مزدوران وابسته به امپریالیزم هر روز توطئه تازه ای علیه خلق کرد می چینه بند، در شرایطی که مبارزه طبقاتی هر روز اوج بیشتری می گیرد و زحمتکشان شهر و روستا به منافع خود آگاهی می یابند، روستائیان منطقه "دیواندره" با ایجاد شوراهای دهقانی اقدام به مصادره زمین های زمینداران بزرگ و فتوادل های مترجم در منطقه نموده اند. آنها دیگر نمی خواهند مثل گذشته برده وار زندگی کنند و برای کسب حقوق خود به

ظهور نژاد و چمبران گتگوهای زیادی در باره مازره با خلق کرد و سرکوب گروه های مبارز و انقلابی در کردستان از جمله سازمان چریکهای فدائی خلق انجام می گیرد. در این رابطه مبلغ ۴ میلیون تومان در اختیار آنان گذارده می شود و مجدداً برای استخدام جاش و مزدور و پیشبرد اهداف شوم خود به کرمانشاه باز می گردند.

# بنی صدر، موافق قطع ارتباط با آمریکا یا مخالف آن؟ کدامیک!

اوپس از تسخیر سفارت گفت:

"اشغال سفارت دست کم مبین عجز دولت انقلاب از حفظ امنیت حتی در مرکز کشور است و بر این امر، نتایج نا مطلوب بار است"

نقل از مصاحبه بنی صدر با اطلاعات روز ۱۵ آبان ۱۳۵۸

اقتدار و طبقات تحت ستم، هر کدام بنا به منافع طبقاتی خاص خود با امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران که تماما وابسته به امپریالیسم است، مبارزه می کنند.

نمایندگان خود را برای مذاکره با دشمن می فرستند اما بنی صدر می خواهد همه چیز را درست در زمانی که مبارزات مردم رو به گسترش است، بنا

مذاکره حل کند تا هر طوری شده از ادامه و گسترش مبارزات ضدامپریالیستی مردم جلوگیری کند. او برای عملی کردن مقصود خود با سفر و کاردارهای خارجی به مذاکره می نشیند و می گوید:

"... از کشورهای خود بخواهید که آمریکا بپذیرد که اعلام کند دیگر در امور داخلی ما دخالت نخواهد کرد... ما قصد قطع رابطه با آمریکا را نداریم..."

(نقل از روزنامه اطلاعات - دوشنبه ۲۱ آبان ۵۸)

در جای دیگر در مصاحبه با لوموند می گوید: "دولت آمریکا باید قبلا با انتشار اعلامیه ای به جناباتی که به دست رژیم سابق مرتکب شده اعتراف کند و حق ما را در تعقیب ستاره و دستیارانش به رسمیت بشناسد و از این پس نیز استقلال و حاکمیت ایران را محترم شمارد در این صورت مسئله گروگان ها به راحتی حل خواهد شد."

(نقل از اطلاعات - پنجشنبه ۱۱ بهمن ۵۸)

تلاش بنی صدر در این بیانات برای اینکه هر چه زودتر "غائله" را ختم کند به خوبی روشن است. وی علاوه بر اقداماتی که در جهت کنترل مبارزات ضدامپریالیستی توده ها می کند، اذهنان را در شناختن اصلی ترین دشمن خلق به کج راه می برد و می خواهد مرز بین دوستان و دشمنان مردم ما را مخدوش کند چه او اولاً از سفرای کشورهای متسل ژاپن، فرانسه، آلمان و سایر کشورهای اروپای غربی می خواهد که بین ایران و آمریکا واسطه قرار گیرند این کشورها که خود کشورهای امپریالیستی هستند دوستان آمریکا و خونخوارترین دشمنان مردم زحمتکش ما هستند، مسلماً چنین کشورهایی در هر قدمشان بر ضد منافع زحمتکشان ما عمل خواهند کرد. ثانیاً بنی صدر از دولت آمریکا، دولتی که سرکرده جهانخواران است، دولتی که برای تامین منافع امپریالیسم جهانی، کارگران و دهقانان و کلیه زحمتکشان ما و جهان را شدیداً بهره کشی می کند، دولتی که سالها خلق مبارز ایران را زیر چکمه های دیکتاتوری شاه نگهداشته بود، دولتی که میلیون ها بمب بر سر زحمتکشان رزمند جهان ریخته است، دولتی که منابع کشورها را به غارت می برد، بنی صدر از چنین دولتی می خواهد که فقط به گناهان خود اعتراف کند و قول دهد که دیگر در امور داخلی ما دخالت نکند و "استقلال و حاکمیت" ما را به رسمیت بشناسد.

بقیه در صفحه ۷

به پای امپریالیسم آمریکا بیزند، جریان داشت. واکنشهایی که نیروهای موجود در حاکمیت در مورد اشغال مرکز جاسوسی بخصوص افشاکاریهای سیاسی از خود نشان دادند، عاملی بود برای اینکه توده ها دوستان واقعی خود، دوستان نا پیگیر و موقتی خود و دشمنان خود را بهتر بشناسند. اشغال مرکز جاسوسی در تعادل سیاست بین المللی نیز مسائلی پیش آورد و سازشکاران را به تکاپوی بیشتری واداشت.

آقای بنی صدر یکی از کسانی بود که از همان آغاز اشغال مرکز جاسوسی با آن به مخالفت برخاست و در تمام مدت ۶ ماه که از این حرکت می گذرد، چه در پست وزارت امور خارجه و چه در پست ریاست جمهوری همواره تلاش کرد که "بحران" رابطه بین ایران و آمریکا را به نحوی پایان دهد. بنی صدر در همان روزهای اول گفت: "اشغال سفارت دست کم مبین عجز دولت انقلاب از حفظ امنیت حتی در مرکز کشور است و بر این امر، نتایج نا مطلوب بار است."

(نقل از روزنامه اطلاعات - سه شنبه ۱۵ آبان ۵۸)  
ما هم معتقدیم که دولت "انقلابی" بازرگان عاجز بود، ما عجز دولت بازرگان را دراز می بینیم که بنا به ماهیت طبقاتی اش نتوانست مسائل توده ها را پاسخ گوید بلکه درست در مقابل منافع توده ها قرار داشت. بنی صدر عجز دولت بازرگان را در عجز مردم توانائی اش برای "حفظ امنیت" مرکز جاسوسی آمریکا می بیند. "حفظ امنیت" از شعارهایی است که بنی صدر از قبل از ریاست جمهوری مطرح می کرد و امروز می خواهد با بازسازی ارتش، خلق سلاح توده ها و انهدام شوراها، این شعار را عملی سازد. در این بیان بنی صدر باز نوعی از "حفظ امنیت" را پیش می کشد که خوشایند سرمایه داران است، نوعی از "جزیره ثبات و آرامش" در حالیکه زحمتکشان ما به خطر افتادن "امنیت" مرکز جاسوسی آمریکا را گامی در جهت کسب امنیت برای میهنشان به حساب می آورند.

به این ترتیب آقای بنی صدر با پیش کشیدن مسئله "حفظ امنیت" مخالفت خود را با اشغال مرکز جاسوسی اعلام می کند. اما مخالفت وی با این حرکت نه از موضعی مترقی بلکه برعکس از موضع مهازدن به گسترش مبارزات ضدامپریالیستی توده ها صورت می گیرد.

بنی صدر درست در زمانی که شور مبارزات ضد امپریالیستی در میهن ما اوج گرفته و دامنه این مبارزات گسترده تر می شود، می خواهد با "مذاکره" مسئله را فیصله دهد. مذاکره بین طرفین متخاصم یکی از شیوه هایی است که در تمام مبارزات به کار گرفته می شود اما نه به صورتی که آقای بنی صدر در جهت آن تلاش می کند. در هر مبارزاتی توده ها با علم به کسب امتیاز بیشتر از دشمنانشان،

دو سال از آغاز مبارزات آشکار و بی امان توده ها علیه امپریالیسم و دیکتاتوری می گذرد. توده های به پا خاسته میهن ما بعد از سرنگون کردن رژیم سلطنتی شاه، بی وقفه مبارزات خود را علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا گسترش دادند. نیروهای انقلابی و پیشرو در ارتفاع سطح مبارزات توده ها و ستم دادن به آن گام های موثری برداشته اند و اینک مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک توده ها وارد مرحله جدی تری شده است. توده های میلیونی که تا مین "استقلال، کار، مسکن، آزادی" برای کلیه زحمتکشان را در گرو مبارزات فاطم، همه جانبه، پیگیر و بی امان با امپریالیسم جهانی می بینند، به یاری انقلابیون کمونیست و نیروهای ملی - مذهبی مترقی، مبارزات خود را در کارخانه ها، مزارع، ادارات، مدارس و دانشگاه ها شکل می دهند و بر مبارزات ضدامپریالیستی خود اوج و عمق تازه می بخشند. از بعد از قیام هجدهم ماه و سرنگونی شاه توده ها هیچ شعاری را قوی تر و پر صلابت تر از "مرگ برای امپریالیسم، مرگ بر شاه" بر زبان نیابورده اند و هیچ بسیج و دعوتی جز دعوت به راهپیمائی و تظاهرات علیه امپریالیسم این چنین توده ها را میلیون میلیون به خیابان ها نریخته است. در این مدت مردم ما از شعارهای انحرافی استقبال چندانی نکرده اند و در نتیجه تلاش هایی که برای بسیج توده ها در جهت های انحرافی و علیه انقلابیون کمونیست و نیروهای مترقی صورت گرفته، در اساس بی ثمر مانده است.

اقتدار و طبقات تحت ستم هر کدام بنا به منافع طبقاتی خاص خود با امپریالیسم و طبقه سرمایه دار ایران که تماما وابسته به امپریالیسم است، مبارزه می کنند. کارگران در کارخانه ها، دهقانان در روستاها دانشجویان و دانش آموزان در دانشگاه ها و مدارس پرسنل انقلابی ارتش در پادگان ها کسبه و پیشه وران در بازار، طلاب و روحانیون مبارز در حوزه های فعالیت خویش مبارزات خود را در اشکال خاص خود پیش می برند و نیروهای انقلابی و پیشرو در اجرای رسالت مهم تاریخی خود، در جهت سازماندهی و شکل طبقه کارگر و توده ها و ارتقاء سطح مبارزاتی آنها گام های استواری بر می دارند. در ترتیب و تاب گسترش یابنده چنین مبارزاتی است که مرکز جاسوسی آمریکا اشغال می شود.

اشغال مرکز جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام "انگاسی از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده هاست. این حرکت که انعکاس خشم و کینه بی پایان توده ها علیه امپریالیسم است، قدم موثری بود برای آشکار شدن صف بندی نیروها. تسخیر مرکز جاسوسی تجلی آشکار درگیری های سیاسی بود که در حاکمیت بین آنها که خواهان ادامه مبارزه با

امپریالیسم بودند و آنها که می خواستند برای حفظ منافع طبقه سرمایه دار همه ثمرات انقلاب مردم را



# بنی صدر، موافق قطع ارتباط با آمریکا ...

بقیة از صفحه ۶

می‌کنند، همه را متهم به "زورگویی" می‌کنند و در مورد تسخیر مرکز جاسوسی هم چنین سیاستی را در پیش می‌گیرند و خود آنچنان که در سخنان ۲۲ بهمن خود گفت، برای درهم کوبیدن شوراها و خلع سلاح مردم حاضر است از توپ و تانک استفاده کند. به این ترتیب بنی صدر دست امپریالیسم و وابستگی او را در اعمال فشار به خلق ستمدیده ما باز می‌گذارد.

## بنی صدر تلاش کرد تا گروهان‌ها را تحویل آمریکا دهد.

بنی صدر در این اواخر با تکیه بر اینکه ده میلیون رای آورده است و به خیال اینکه همه این ده میلیون از او حرف شنوی دارند و می‌تواند آن‌ها را به نحوی دعوت به سازش با آمریکا کند، به دولت آمریکا وعده می‌دهد که گروهان‌ها را به شوروی انقلاب تحویل خواهد داد. چون هم او و هم دولت آمریکا می‌دانستند به محض اینکه شورای انقلاب مسئولیت نگهداری گروهان‌ها را به دست بگیرد، مراحل بعدی برای آزاد شدنشان به زودی و به سهولت طی خواهد شد. اما تمام نقشه‌های ظریف آقای بنی صدر نقش بر آب شد. توده‌ها نخواستند چنین شود و آیت‌الله خمینی هم که در پیام نوروزی امتیازات زیادی به بنی صدر داده بودند، در مورد گروهان‌ها روی موضع قبلی‌اش ماند و آقای بنی صدر به مقصود نرسید. اما بنی صدر با زیرکی خاصی اعلام کرد که از اول با قطع رابطه ایران و آمریکا نیتها موافق بوده است بلکه تمام تلاش را هم در این جهت به کار گرفته است. آقای بنی صدر باز هم

مردم قلمداد می‌کند، ولی در تمام این ۶ ماه که از اشغال مرکز جاسوسی آمریکا می‌گذرد، در عمل خلاف این ادعا را نشان داده است. چه آنجا که علیرغم حمایت مردم از ادامه افشاگری‌ها میناجی را آزاد می‌کند، چه آنجا که علیرغم مبارزات مردم بدون اجازه مردم و برای مهار مبارزات آنان به مذاکره با سفیر خارج می‌نشیند و چه آنجا که علیرغم خواست مردم برای حفظ گروهان‌ها در دست "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" رای به تحویل گروهان‌ها به شورای انقلاب می‌دهد. بنی صدر نیتها به خواست و اراده مردم تکیه ندارد، بلکه همواره ابتکار عمل را به دولت آمریکا می‌دهد تا قدم پیش گذارد و بحران رابطه ایران و آمریکا را حل کند. وی در مصاحبه با نیوزویک می‌گوید:

"امریکا باید درسه مورد ابتکار به خرج دهد و گام پیش نهد تا جو سیاسی دگرگون شود... (نقل از اطلاعات - پنجشنبه ۱۸ بهمن ۵۸)

این نهایت بی‌اعتقادی بنی صدر را به مبارزات توده‌ها نشان می‌دهد. انقلابیون کمونیست با اتکاء به مبارزات مردم، در جهت سازماندهی و ارتقاء مبارزات آنان تلاشی بی‌وقفه می‌کنند. آنها در افشای هرچه بیشتر سیاست‌های ضد خلقی و ضد انقلابی امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران لحظه‌ای درنگ نمی‌کنند. انقلابیون کمونیست می‌گویند تنها بر هرچه گسترده‌تر شدن مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها و هر چه فشرده‌تر شدن صفوف زحمتکش و بالا رفتن آگاهی آنان است که می‌توان مبارزه همه‌جانبه علیه امپریالیسم را ادامه داد و بنی صدر درست‌باچنین

اگر قرار بود امپریالیسم جهانی به همین راحتی استقلال ما را به رسمیت بشناسد دیگر چرا فقط برای ساقط کردن شاه، هفتاد هزار کشته و صدها هزار زخمی دادیم؟ چرا وینتام ۳۰ سال جنگید؟ چرا ارتش‌های امپریالیستی تا این دندان به تجهیزات مدرن نظامی مسلح می‌شوند؟

بنی صدر نیتها از چنین دولتی می‌خواهد که "استقلال" ما را به رسمیت بشناسد بلکه از آن انتظار کمک هم دارد. وی در مصاحبه‌اش با لوموند می‌گوید:

"اگر آمریکا می‌خواهد ما را در برابر شوروی

بنی صدر آمریکا را طوری جلوه می‌دهد که می‌تواند علیه انقلاب و توده‌های ما دشمنی نکند. بنی صدر سعی می‌کند عمق دشمنی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را با زحمتکش‌ها پوشیده نگاهدارد.

کمک کند، بهترین راه آن است که از دخالت و تحریک و توطئه در انقلابمان خودداری کند" (نقل از اطلاعات - پنجشنبه ۱۱ بهمن ۵۸)

به این ترتیب آقای بنی صدر آمریکا را طوری جلوه می‌دهد که می‌تواند علیه انقلاب و توده‌های ما دشمنی نکند و حتی می‌تواند ما را به اصطلاح کمک هم بکند و با چنین شیوه‌ای بنی صدر سعی می‌کند عمق دشمنی امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا را با زحمتکش‌ها پوشیده نگاهدارد و از تیزی و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها بکاهد و دولت‌های سوسیالیستی را که دوست زحمتکش‌ها هستند، دشمن مردم جلوه دهد.

تلاش بنی صدر برای جلوگیری از گسترش مبارزات وقتی آشکار ترمی شود که افشای دوستان و جاسوسان آمریکا آغاز می‌گردد. وی علیرغم خواست توده‌ها جهت تداوم افشاگری‌ها، میناجی، جاسوس افشاشده آمریکا را در ۱۸ بهمن ۵۸ آزاد می‌کند. مردم ما می‌دانند که آزاد کردن جاسوسان یعنی کمک به پیشرفت برنامه‌های امپریالیسم در داخل میهن‌مان چون با آزاد گذاشتن آنان، شبکه عوامل ضد انقلاب سازمان داده می‌شود و امپریالیسم از طریق این شبکه‌ها می‌تواند برنامه‌های خود را در ایران به اجرا گذارد. مردم ما می‌دانند هر کمک به ضد انقلاب یعنی تقویت امپریالیسم و تضعیف مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها.

بنی صدر علیرغم ادعای خود که "باید همه چیز را به مردم گفت" با دفاع از میناجی - می‌خواهد عملاً جلو گفته شدن "همه چیز" را به مردم بگیرد. او می‌داند که محاکمه امثال میناجی و امیر انتظام مردم را از خیلی چیزها مطلع می‌کند، او می‌داند که اگر مردم همه چیز را بدانند دیگر حتی لحظه‌ای در قطع وابستگی به امپریالیسم درنگ نخواهند کرد. در سیاست بنی صدر جایی برای توده‌ها نیست، با وجود اینکه خود را مجری اراده

انقلابیون کمونیست با اتکاء به مبارزات مردم، در جهت سازماندهی و ارتقاء مبارزات آنان تلاشی بی‌وقفه می‌کنند، آنها در افشای هرچه بیشتر سیاست‌های ضد خلقی و ضد انقلابی امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران لحظه‌ای درنگ نمی‌کنند.

نمی‌خواهد بازنده شود. گزارش خبرگزاری فرانسه نشان از قول و قرارهای می‌دهد که رئیس جمهور ایران با رئیس جمهور آمریکا داشته است و پیام قبلی کارتر هم در رابطه با همین قول و قرارها صادر می‌شود. "دولت ایالات متحده شب گذشته به ایران اطمینان داد که طبق خواست رئیس جمهور آن کشور از این پس هرگونه تبلیغی در باره گروهان‌ها تا تعیین تکلیف مطلق آنان توسط مجلس شورای ملی که قرار است در اواسط ماه آوریل تشکیل شود، خودداری نماید. به شرط آنکه بنی صدر به قول خود عمل نماید و گروهان‌ها را تحت نظارت و مراقبت دولت ایران قرار دهد."

(نقل از کیهان - پنجشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۵۸ - خبرگزاری فرانسه)

چیزی مخالف است و به همین دلیل هم هست که می‌خواهد مردم را خلع سلاح کند، شوراها را از بین ببرد و هر جا که اراده مردم حاکم است، با توپ و تانک به آنجا حمله برد. فرکوب خلق ترکمن و شوراها را دهقانان ترکمن صحرا، در پناه گرفته‌اند. فائزین رهبران خلق ترکمن و برنامه‌ریزی در جهت خلع سلاح خلق کرد همه حکایت از چنین واقعیتی می‌کنند. بنی صدر بی‌اعتقادی خود به اراده مردم و تلاش برای مهار مبارزه ضد امپریالیستی آنها را در صحبتی که با "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" داشته است، آشکارا به زبان می‌آورد. او می‌گوید: "با گروهان‌گیری و استفاده از زور مخالفم." (نقل از اطلاعات - شبیه ۱۷ آذرماه ۵۸)

بنی صدر هر جا که توده‌ها به دفاع از منافع خود بلند می‌شوند و نیروهای راستین مدافع منافع توده‌ها در جهت پیشبرد مبارزات آنان اقدام

## وفرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

# تیمسار های آریامهری با آخوندهای آریامهری منبر های خود را عوض کرده اند!

مدتی است که سخنرانی‌های آریامهری فرماندهان خود فروخته‌ترش در مکان‌های مذهبی مانند مساجد و تکیا یا صورت می‌گیرد که نمونه‌ای از آن سخنرانی تیمسار فلاحي در یکی از مساجد بود که چندی پیش در "کار" درج شد. در مقابل این سیاست یعنی در افشانیهای فرماندهان در مساجد اخیرا بعضی از روحانیون مرتجع شناخته شده در مراکز نظامی برای افسران و سربازان همان خزیلیات فرماندهان را وعظ می‌کنند. نمونه اخیر سخنرانی

آقای فلسفی واعظ به اصطلاح "شهباز" در ۶ فروردین در حضور افسران، درجه‌داران و سربازان لشکر تبریز بوده است، در شرایطی که آقای فلسفی بایک عمر خدمتگاری در پیشگاه رژیم پیشین رسوای خاص و عام است و در حالی که مردم هنوز فراموش نکرده‌اند که پس از کودتای ۲۸ مرداد

در حالی که شاه و امیرالایم امریکا دسته دسته مردم زحمتکش و مبارزین را به جوخه اعدام می‌سپردند آقای فلسفی به دعا خوانسی و شاگویی برای رژیم پیشین مشغول بود. با این حال آقای فلسفی به مدت یک ساعت با سخنرانی خود سعی در تحریک و فریب پرسنل ارتش

کرد. او گفت:

"سرکوبی خلق مسلح‌کنند و چریک‌های فدائی خلق برای افراد لشکر واجب و در عالم اسلام کشتن این پلیدان ماجور و متاب خواهد بود. چگون چریک‌های فدائی خلق بی‌دین و مارکسیست هستند و خلق کرد نیز فاقد اعتقاد به ولایت

فقیه هستند، در نتیجه آنان واجب القتل می‌باشند." به میدان کشاند فلسفی و چهره‌های شناخته شده دیگر که مشتشان دست‌کم برای اکثریت مردم ایران باز است. بهترین نشانه ورشکستگی کارگزاران این نوع برنامه‌ها است. آنها که می‌خواهند عوام‌فریبی کنند، آنها که می‌خواهند علیه سرسخت‌ترین فرزندان انقلابی خلق تبلیغ کنند، آنها که می‌خواهند علیه مظاهر انقلاب ما تبلیغ کنند چه کسانی جز مشت‌ی عناصر شناخته شده امثال فلسفی را می‌توانند به خدمت بگیرند؟

## به مناسبت سالگرد فاجعه ترور رفیق بیژن جزنی و همزمان ...

## از حماسه شهادت رفیق جزنی و ...

ظهر چند روز بعد از ۳۰ فروردین بود، گوشت را چسبانده بودم به کف سلول و در چهره‌ام می‌پاییدم. از هر طرف موری می‌زدند. همه موری می‌زدند. سورکوی، جزنی، عزیز، ظریفی، سعید چوپان، خوشدل، کاظم افشار را کشتند. داغ شده بودم. بلند شدم، بغضم سینه‌ام را جلو دادم، بغضم را خوردم، سرم را برافراشتم رشید ایستادم و بدون ترس بی‌هیچگونه‌هراسی، سرود انترناسیونال را آواز دادم: برخیز ای داغ‌لغنت‌خورده دنیای فقر و بیدگی شوریده خاطر ما را برده، به جنگ مرگ و زندگی باید از ریشه براندازیم که نه جهان فقر و بیدگی و آنکه نوین جهانی سازیم هیچ‌بودگان هر چیز گردند روز قطعی جدال است، آخرین رزم مسالما انترناسیونال است نجات انسان‌ها

بیش از هر زمانی احساس می‌کردم کمونیت هستیم. بیش از هر زمانی بارفقا احساس یگانگی می‌کردم. بیش از هر زمانی احساس می‌کردم مردم رنجبر را دوست دارم. سرود انترناسیونال برایم جلوه‌ای دیگر داشت. از هیچ چیز نمی‌ترسیدم و می‌خواندم: روز قطعی جدال است آخرین رزم مسالما انترناسیونال است نجات انسان‌ها

۳۰ فروردین مصادف با ششمین سالروز فاجعه ترور رفیق بیژن جزنی و همزمان در زندان رژیم شاهنشاهی است. امروز مردم میهن ما از ترور ۷ فدایی خلق و ۲ مجاهد خلق در زندان رژیم شاه آگاهی دارند. کوشش می‌کنیم از خدمات جزنی و همزمان و تاثیر ترور آنها هر چند مختصر و به اشاره سخن گوئیم.

مقدم ترین تاثیرات ترور رفقا جزنی و همزمان در سطح زندان‌های ایران تقویت روحیه مقاومت و تسلیم ناپذیری در مقابل رژیم شاه و همه دشمنان مردم بود. ترور رفقا، برخلاف تصور شاه و ایادی آن تاثیر معکوس در زندان‌ها داشت و به جای ایجاد روحیه رعب و وحشت و تسلیم‌پذیری روحیه مقاومت، سرخشی و تسلیم ناپذیری را در زندانیان بیدارتر کرد.

خصوصیات رفقا جزنی و همزمان و خصال انقلابی آنان برجستگی خاصی یافت و برای فدائیان که در زندان بودند تعهدات نوینی نسبت به وظایف انقلابی که همیشه در انجام آن نمونه پیگیری بودند شکل گرفت.

یکی از خدمات بزرگ جزنی و همزمان این بود که علیه سنت به‌جامانده از زندانیان سیاسی دهه ۳۰ و ۴۰ به مبارزهای بی‌امان برخاستند. زندانیان سیاسی در این دوره‌ها، وظیفه زندان را در مقاومت منفعل در مقابل رژیم شاه خلاصه کرده بودند. آنها به ادبیات، فراگیری



مادر بیژن و مادر توماج

### خاطره دو شهادت دریک زندان و با یک آرمان

زبان و تحصیل از راه مکاتبه در زندان بیشترین علاقه را برایم کردند. زندگی آنان در زندان غالباً فردی بود.

جزنی زندان را به عرصه تازه‌ای از مبارزه فعال با رژیم شاه تبدیل کرد. او آموزش می‌داد که زندان را باید به دانشگاه انقلاب ایران تبدیل ساخت و در گشایش دوباره این دانشگاه بیشترین نقش را داشت. او زندگی "کونی" در زندان‌ها را تا یک سنت انقلابی تخطی ناپذیر ارتقاء داد.

او در زندانها، بیشترین و فعالترین رابطه‌ها را با جنبش برقرار می‌ساختند و ویرتلا شوی‌گیر آموزش‌های خود را ارتقاء می‌داد. او در رشد جنبش و تربیت

داغاکوشش می‌کرد حقایق تازه‌تری درک کند و به محض درک حقایق تازه آنها را در استنتاج‌های خود دخالت می‌داد و به تصحیح خطاهای تفویک خود و جنبش می‌پرداخت. آنها دام در حال جمع‌بندی و تصحیح خطاها به سرمی‌بردند. آثار متعددی که جزنی با شرکت همزمانش و دیگر فدائیان در زندان به رشته تحریر درآورد، در آموزش زندانیان نقش بسیار ارزنده‌ای داشت. او نخستین فدائی بود که به انتقاد از تئوری‌ها و انحرافات رفیق مسعود احمد زاده پرداخت و به سهم خود برای نقد عمیق‌تر انحرافات گذشته سازمان ما، مقدمات لازم را فراهم آورد. خدمات تفویک جزنی و همزمان در رشد جنبش و تربیت

کادرهای کنونی جنبش کمونیستی ایران انکارناپذیر است.

براین پایه فاجعه ترور بیژن جزنی و رفقا، از یک سو جنبش انقلابی را از کادربه‌ترین و آگاه‌ترین کادرها محروم ساخت و از سوی دیگر پروسه تصحیح خطا را با وقفه‌هایی جدی روبرو ساخت.

ترور رفقا جزنی و همزمان در ارتقاء آگاهی توده‌ها نسبت به رژیم شاه افشای ماهیت ضد خلقی آن و بیداری و گسترش جنبش دمکراتیک دارای اشکرات نمایانی بود.

برای ترور رفقا جزنی و همزمان، جنبش دانشجویی قدرت و اعتلائی تازه یافت. چهره ددمشانه رژیم شاه در سراسر جهان عمدتاً توسط جنبش دانشجویی داخلی و خارج به نمایش گذاشته شد. ترور رفقا نفرت میلیون‌ها تن از مردم ایران و سراسر جهان را برانگیخت و در بیداری مردم موثر افتاد.

ترور رفقا جزنی و همزمان در عین حال نشانه سقوط و انحطاط رژیم شاه بود، نشانه آغاز انهدام نظام شاهنشاهی بود. این ترور به همان نسبتی که چهره مردمی و ماهیت انقلابی رفقا را آشکار می‌ساخت، ماهیت ضد مردمی و به‌غایت ددمشانه رژیم را در سراسر جهان به نمایش گذاشت و به رسوایی امپریالیسم امریکای رژیم‌های دست‌نشانده آن در سراسر جهان انجامید.

زمانی که تهرانی شکنجه‌گر معروف رژیم شاه، صحنه ترور رفقا را در یاد می‌تابد و تلویزیون بقیه در صفحه ۹





## از حماسه شهادت رفیق جزنی و...

بقیة از صفحه ۸

ماههای نخست قیام توضیح می داد، میلیون ها تن چینی می اندیشیدند که دیگر در میهن ما شاهد چنین فجایعی نخواهند بود... لیکن دیدیم که چگونه در رژیم جمہوری اسلامی فاجعه ترور انقلابیون کمونیست تکرار شد و فدائیان خلق رهبران خلق ترکمن، توماج مختوم، جرجانی و واحدی به ناجوانمردانه ترین شکل ممکن به شهادت رسیدند و

به فاصله کوتاهی سکوتی اعتراض آمیز فضای بنددو و سه را انباشت. سرهنسنگ زمانی رئیس زندان قصر با افتخار داخل بند شد و بی رحم و وحشی به این سوو آنسو می نگریست. همه زندانیان به حیاط آمدیم و روی زمین نشستیم تا اتحاد و یکپارچگی خود را در اعتراض به این فاجعه نشان دهیم. همانجا بود که احساس کردم

رئیس جمہور بنی صدر تاکنون علیرغم آگاهی بصر حقایق این جنایت هولناک همچنان آن را از مردم پوشیده نگه داشته و فریبکارانه عاملین چنین جنایتی را در حمایت خود دارد. بی تردید همچنانکه حقایق فاجعه ترور رفیق جزنی و همزمان پوشیده نماند و عاملین آن با قهر شکوهمند توده های به پا خاسته به کیفر رسیدند تاریخ در طراز نوین و در شکوهمندی عظیم تکرار خواهد شد.



به یاد شهادت ۹ شهیدان راستین خلق در زندان

خاطرہ رفیق شهید، توماج که همچون جزنی در زندان ناجوانمردانه ترور شد، به پایان آوریم. توماج خود در زندان بود که خبر ترور رفقا جزنی و همزمان را شنید. یکی از هم زنجیران توماج تا پیش وواکنش او را از خبر ترور رفقا جزنی و همزمان چنین می نویسد:

هر روز روزنامه را ساعت هفت ونیم و یا هشت بعد از ظهر داخل بند می دادند. ۳۰ فروردین ۵۴ ناگهان ساعت چهار ونیم صدازند که بیایید روزنامه را بگیرد. بر حسب اتفاق آنروز من نزدیک درهشت بودم و روزنامه را گرفتم. تیترو روزنامه خبر از حادثه ای شوم می داد: "۹ زندانی در حالی که قصد فرار داشتند کشته شدند."

کسی دندان فروجه می کند و از فرط خشم قرار ندارد. با او تنها سلام و علیکی داشتیم. پرسید تو خبر را کامل خوانده ای موضوع را کامل می دانی. بگو که چی نوشته اند. خبر را گفتم. گفت: "بی شرف ها، بچه ها رو شهید کرده اند، آنوقت می گویند در حال فرار، کثافت ها... فاشیست ها" شیرمحمد درخشنده توماج بود ولی همه او را توماج صدا می کردند. چهره اش کاملا نشان می داد که ترکمن است. برایم گفته بود که یک بار به مدت ۶ ماه در زندان به سر برده و حالا دوباره او را گرفته اند. مضمون کامل پرونده اش را به خاطر ندارم ولی شکنجه بسیار شده بود و کف پاهایش هنوز به درستی خوب نشده

## فرزند فدائی خلق

آنک تو بودی ،

کهنسنگ فرش هر کوجه و خیابان را ،

و پرک برگ درختان جنگل را ،

و بلندای دوردست قله های مه گرفته را ،

بارنگین کمائی ازخون و باروت و سرب ، میاراستی

\*\*\*\*\*

آنک خون داغ و ملتہبت ،

برپله های کارخانه ،

بر خاک سوخته مزرعه ،

بردبوارهای گشتارگا ،

بر تیرهای میدان اعدام ،

و کوجه های پرگل ولای نازی آباد و سلیمانہ

جاری .... جاری ....

جاری ....

\*\*\*\*\*

اینک ، از بلندای زمان بنگر

ورود خروشان خلق را نظاره کن

چه انبوه چه بیکران

اینان از لب خط و یاخچی آباد

از جوادیه و حلبی آباد

از جوانمرد و میدان شوش

از مزرعه و کارخانه

و از هر جای دیگر این شهر خراب تازه بیدار ، می آیند

و نام تو را فریاد ،

و خوشن را با خون گرم تو پیوند میزنند .

\*\*\*\*\*

اینک ، نظاره کن

رفیقان کارکرت

رفیقان پرزگرت

این فرزندان رنج و کار ،

این فاتحان اصلی تاریخ

صف در صف ، آگاه و بی هراس

بیای برخاسته ، یکی میشوند .

و تا محو غول استعمار ، می رزمند .

این راه توست ،

ای فرزند فدائی خلق ....

"کارگر یافته"

مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

# اجتماع با شکوه مردم...

بقیه از صفحه ۱۶

کرد و آنگاه مادر فدائیی شهید توماج پشت تریبون قرار گرفت و در ضمن سخنانش همواره حمتکشان خلق ترکمن و طوایف نیروهای مبارز و انقلابی را دعوت به اتحاد و یکپارچگی و به ادامه راه پرافتخار فرزندش فرا خواند. او گفت:

**"شوراهای ترکمن صحرا حاصل خون شهیدان بی شماری است. با تحکیم شما، با اتحاد و اتحاد بهای روستائلی و با دفاع همه جانبه از منافع خلق تحت ستم خویش خون شهیدانمان را پاسبان داریم."**

در این مراسم برادر فدائی شهید توماج و چند تن از اعضای شوراهای روستایی سخنانی ایراد کردند و پیام های چندین شورا و اتحادیه روستایی و کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن و ستاد مرکزی شوراها و جوانان پیشگام روستاها قرائت گردید و مراسم با شعار "اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد، علیه امپریالیسم" در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر پایان یافت.

# ترکمن نگاه کن!

آنجا در دشتهای پهن در کشتزارهای خون در صحرای خشم در اوبه های اینجه بیرون در قلب های پر زین در گلزارهای خونریز ترکمن در مسیر گلوله های پاسداران دشتهای برجنایت سرمایه و ستم چهارگل توماج روئیده است چهار لاله برنگ خون ترکمن!... ترکمن نگاه کن! امشب چهارستاره - خونین - برخشم و پرغرور بر آسمان تیره صحرا بر لاله زار خونریز شهیدان میبندد و از همای پرشکوه رهائی خلق را تصویر می کند

و فردا تا بهماز اسطوره پرشکوه پدر را در کتابهای مدرسه خویش می خواند و بر راه سرخ فدائی خلق کام می نهد

توماج! توماج تو زنده ای در لای لای مادران ترکمن در زمزمه جویباران در نسیم در قصه های شیرین کودکان توماج... تو را خواهی شد - بر طنین - از تفنگ های کینه بر گلوله های خشم و جاری خواهی شد در سرور رهائی فدای ترکمن

# یاد رفیق شهید حاجقلی نورقلی پور گرامی باد



رفیق شهید حاجی قللی نورقلی پور از اهالی ترکمن صحرا یکی دیگر از دهها شهیدی است که در روز شنبه ۲۰ بهمن ۱۵۸۰ در ساعت ۱۰ صبح، قبل از آنکه جنگ تحمیلی به خلق ترکمن آغاز شود و هنگام عبور از میدان گل سرخی، مورد اصابت گلوله کالیبر ۵۰ ضدانقلابیون که از ساختمان علی سوی تیراندازی می کردند، قرار گرفت و به شهادت رسید. یاد رفیق گرامی باد

گردهمایی در پاریس به منظور اعتراض به کشتار چهار فدائی خلق

# قطعنامه گردهمایی دهها هزار تن از مردم ترکمن صحرا در یلمه سالیان، گنبد و تاتار علیا به مناسبت گرامی داشت چهلمین روز شهادت فدائیان شهید توماج، مختوم، واحدی و جرجانی

خلق قهرمان ایران! مردم مبارز ترکمن صحرا!

هنوز داغ شهدای اولیسن جنگ تحمیلی ترکمن صحرا بر دل هایمان سنگینی می کند که باردیگر مزدوران امپریالیسم سرمایه داران وابسته، زمینداران بزرگ و ارتجاع کوردل یورش و حشیانه دیگری را به سرزمین ما آغاز کرده و خون های پاک دیگری را بر خاک ریختند.

سرمایه داران وابسته زمینداران بزرگ و قشریون متجع که می دیدند وحدت و تشکل زحمتکشان ایران بخصوص خلق قهرمان ترکمن بیش از پیش منافع کثیف و حاکمیت سیاه آنان را در خطر جدی قرار داده است، این بار نیز با تکیه بر ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاعی ترکمن صحرا راه خون کشیدند تا به خیال خود شوراهای انقلابی، این دستاورد گرانبهای مبارزات زحمتکشان ترکمن صحرا را نابود سازند. اما آنان علیرغم همه وحشیگری و کشتار فرزندان دلیر خلق ترکمن، این آرزوی خود را به گور خواهند برد. چراکه خلق قهرمان ترکمن با شناخت کامل دشمنان خود، چه در لباس سیاه آریامیری و چه در لباس نظا هر به دینداری، متحد و یکپارچه با مقاومت و پایداری خود تمامی دستاوردهای ضد خلقی را نقش بر آب خواهد ساخت.

ارتجاع زخم خورده بیهوده برای برپایی دوباره حاکمیت سیاه خود و سرکوب دستاوردهای انقلابی مبارزات زحمتکشان ترکمن صحرا تلاش می نماید. چرا که خون سرخ شهدای خلق ترکمن و

اراده فدائیانش راهگشای مبارزه و پیروزی خلق ماست. ما امروز با افتخار و سربلندی در پیشگاه خلق قهرمان ایران چهلمین روز شهادت فدائیان خلق، رفقای شهید توماج، مختوم و واحدی و جرجانی را گرامی و راهشان را جاودانه پاس می داریم و بار دیگر با صدای رسا تر خواست های خلق خود را اعلام می داریم:

۱- مرفی هر چه سریعتر عاملین جنگ ترکمن صحرا و کشتار فرزندان دلیر خلق ترکمن، شهید توماج، مختوم، واحدی و جرجانی، و احدی را خارج هر چه سریعتر ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاعی از منطقه.

۲- تأمین امنیت برای مردم مبارز و زحمتکش ترکمن صحرا.

۳- رفع هرگونه مزاحمت و اعمال نظر در شوراهای انقلابی مردمی دهقانان ترکمن صحرا.

۴- تأمین آزادی فعالیت های سیاسی برای تمامی نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست.

۵- آزادی بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی.

جاودان باد خاطره شهدای به خون خفته خلق ترکمن - برقرار باد شوراهای انقلابی زحمتکشان ترکمن صحرا - مستحکم باد پیوند خلق های تحت ستم امپریالیسم مرگ بر امپریالیسم آمریکا و وابستگانش

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

جدی پیش به دعوت انجمن دانشجویان ایرانی در پاریس به منظور اعتراض به ضرورت جنایت بار فدائیان خلق ترکمن اجتماعی از دانشجویان و ایرانیان ترقیخواه مقیم فرانسه، در پاریس برگزار گردید. در این اجتماع پس از یک دقیقه سکوت و گرامی داشت خاطره رفقای شهید توماج، مختوم، واحدی و جرجانی، نمایندگان انجمن دانشجویان مسلمان، فدراسیون دانشجویان کردستان، فرانسه، فدراسیون ترک زبانان ایرانی در فرانسه، سازمان مصلحین و دانشجویان ایرانی در پاریس (عضو فدراسیون فرانسه) طی سخنرانی هایی در رابطه با حوادث گنبد جنایات اخیر در گنبد را محکوم کردند. در پایان گردهمایی قطعنامه اجتماع کنندگان قرائت گردید و در آن ضمن محکوم کردن جنایات گنبد و کردستان توسط سپاه پاسداران و ارتش از شوراهای دهقانان ترکمن صحرا به عنوان یکی از اصیل ترین دستاوردهای خلق ترکمن حمایت کردند.

# از مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا برای زمین و صلح پشتیبانی کنیم



## روستائیان قریه نوجین : وقتی می گوئیم حق ما را پایمال کرده اند می گویند صبرا انقلابی داشته باشید

### دهقانان ترکمن صحرا تا پای جان

### از زمین های خود دفاع خواهند کرد

خسروی این سرسپردگان رژیم پهلوی با کسب اجازه فرمانداری گنبد به روستا بازگشتند. این زمینداران بزرگ از فراریهایی هستند که همدست هژمیزدانسی بوده اند و علاوه بر اینها چندین زمین دار بزرگ دیگر نیز ادعای کسب اجازه بازگشت به روستاها را از فرمانداری گنبد گرفته اند.

بدون شک دهقانان ترکمن صحرا، در مقابل این اقدامات ساکت نخواهند نشست. مساله زمین تنها با مصادره انقلابی زمین زمینداران بزرگ و سپردن اموال آنها به شوراها واقعی دهقانان قابل حل است. دهقانان ترکمن صحرا از شوراها دفاعی پیگیرانه دفاع می کنند و به مبارزات خود علیه زمینداران بزرگ و حاکمان آنان ادامه خواهند داد.

بعد از یورش و سرکوب ناخوانمردانه خلق ترکمن، بخصوص ستاد مرکزی شوراها ترکمن صحرا زمینداران بزرگ منطقه که منتظر چنین روزی بوده اند و جنگ گنبد را به یاری سپاه پاسداران و فرماندهان ارتش و حمایت رئیس جمهوری صدر برداشتند، با کسب اجازه از مسئولین امر به روستاها بازگشته و دوری چندین ماهه ای را که از ترس شوراها ترکمن صحرا بازدید شبانه را از زمین های غصبی نداشتند، جبران می کنند. آنها اکنون روزانه و با نظمیان کامل به سر مزرعه ها آمده اند و زمین هایی را که از طرف شوراها و با خرج و مخارج و اتحاد دهقانان کاشته شده است، صاحب شده اند. از جمله جلال و اشراقی اشراقی و فروغ الله اشراقی و حاجی رمضان

زورگوئی های این اشخاص گسترده تر شده تا جایی که بعضی از مردم ساکن نوجین دست از زندگی و کشاورزی خود کشیده و دست زن و بچه های خود را گرفته، خانه و کاشانه خود را رها کرده اند. هر روز به پنهانای مردم را در حوالی ده کتک کاری می کنند. و سپس می افزایند "مانا کنون به کلیه دادگاهها و مراکز امنیتی شکایت کرده ایم ما نمی دانیم بندگان خداییم یا غلامان حلقه به گوش فتودالها چزار میهای مارا که تنها نان آور زن و بچه هایمان است به تهدید اسلحه گرفته اند؟ هر وقت داد می زیم می گویند حقمان را پایمال کرده اند می گویند صبرا انقلابی داشته باشید، درست می شود. زمین های ما را اشغال کرده اند، زراعت ما را چرانیده اند، تلخه ای را خراب کرده اند، هزار نوع تجاوزهای دیگر" روستائیان زحمتکش قریه نوجین با گوشت و پوست خود مطالبه مالکان بزرگ و سرمایه داران را می کنند

این وضعیتی است که اکنون در سراسر ایران وجود دارد. زحمتکشان "نوجین" اگر سبزی و میوه می فروشند، خانه هایشان در جای دیگری است و در اینجا کاسبی می کنند و اگر باورستان نمی شود، بیایند و ببینید ما برای خانه دفاع می کنیم. خانه ما فقط یک اطاق کوچک است.

گروهی از اهالی قریه نوجین از توابع "فراشند" فیروز آباد فارس طی نامه ای فلاکت حاکم پرورستی خود را با مادر میان گذاشته اند. آنچه که زحمتکشان این روستا در نامه خود به صراحت عنوان می کنند به خوبی نشان می دهد که چگونه توده های قهرمان میهن ما، در عمل پیوج بودن تمام وعده وعیدهای مسئولین حکومتی در مورد برآوردن نیازمندی های آنان را با گوشت و پوست خود درگ می کنند. آنها در جریان زندگی شان می بینند که یک سال از قیام می گذرد ولی در این مدت جز حرف های توخالی چیزی عایدشان نشده است.

آنها در نامه شان می گویند. "ما اهالی قریه نوجین از توابع فراشند فیروز آباد فارس که مدت دهها سال است که زیر سخت ترین ظلم ها و تجاوزهای مالکین و فتودال های این حوالی دست و پا می زیم، در مدت یک سال گذشته به اوج خود رسیده و تاکنون هیچ فریادرسی به داد این مردم بی دفاع نرسیده و دامنه تجاوزها و

## " ما برای خانه دفاع می کنیم "

می بینند که هر روز زندگی دشوارتر می شود. گرسنگی، فقر، بی خانمانی هر روز دامن تعداد بیشتری را می گیرد. فکری برای محل زندگی آنها نمی شود و تازه وقتی خانه های خالی سرمایه دارها را مصادره می کنند، آنها را بیرون می کنند برای آنها انقلابی دیگر لازم است و به این انقلاب، که انقلاب زحمتکشان است، آهسته آهسته فکر و اندیشه می کنند.

موقع برگشتن پسرکمی میدود و داد می زند: " اگر دوباره آمدی برامون کتاب میاری؟ " می گویم: " آره که میارم. چه کتابی میخوای؟ " کمی مکث می کند و در حالیکه با بلورش بازی می کند می گوید: " صد بهرگی و... " \* \* \* من اعلامیه آنها را برای "کار" می فرستم تا از این طریق زحمتکشان میهن ببینند که جایی وجود دارد که حرف آنها را می زند. جایی وجود دارد که آنها را دعوت به اتحاد و شکل و مبارزه می کند تا " استقلال، کار، مسکن و آزادی " به دست آورند.

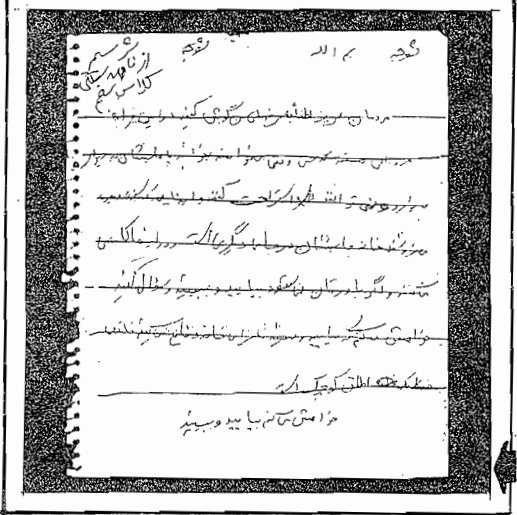
خواهش می کنم بیایید و ببینید. راه می اتم تا بیم کجا زندگی می کنند. با آنها احساس همستگی و پیوند می کنم. دلم می خواهد در مبارزه " برای زندگی بهتر " رفیق و همراهان باشم. در

" ما خیلی حرفها داریم که بگیم اما کسی گوش نمیده. فکر می کنم که او به تدریج می فهمد حرف های ما را. چه کسانی باید بگویند آنها در انقلاب شرکت داشتند. از میان ۷۰ هزار کشته و صدها هزار زخمی، آنها و مانند آنها بیشترین سهم و تنها سهم را داشته اند. در میان کشته های انقلاب یک نفر هم سرمایه دار و اعیان و انصار آنها وجود ندارد. با این همه، انقلاب برای زحمتکشان تا کنون کمترین سهم را قائل شده است. زحمتکشان در انقلاب شرکت کردند چون خواهان استقلال، کار، مسکن و آزادی بودند. یکسال از انقلاب گذشت و آنها

سبزی و میوه می فروشند، خانه هایشان در جای دیگری است و در اینجا کاسبی می کنند و اگر باورستان نمی شود، بیایند و ببینید ما برای خانه دفاع می کنیم. خانه ما فقط یک اطاق کوچک است.

مبارزه زحمتکشان برای نابودی فقر و گرسنگی و بی خانمانی هر روز دامنه می گذرد. زنان، کودکان و نوجوانان بیشتری که به مردم محروم و زحمتکش تعلق دارند به میدان می آیند و در عرصه مبارزه طبقاتی به پیشکار برمی خیزند.

آنچه در زیر می خوانید جلوه ای از این حقیقت است " در امتداد خیابان کارگر، دو دختر بچه که از ظاهرشان پیداست به خانواده های زحمتکش و محروم تعلق دارند، اعلامیه هایی را که به خط خود نوشته اند، میان مردم توزیع می کنند. روحیه شان مقاوم و پر خاشجوست. سنگین و با اعتماد به نفس یک اعلامیه را به من می دهند. نگاهشان امیدوار و مصمم است. اعلامیه را می گیرم و می خوانم:



توجه بسماله توجه  
مردمان عزیز لطفا به حرف های من گوش کنید. در این خرابه مردمانی هستند که حتی وقتی می خواهند بخوابند، پاهایشان به دیوار می خورد و نمی توانند استراحت کنند و اینهایی که



۱۷ آوریل سالروز پیروزی خلق کامبوجیا بز رژیم دست نشانده لاون نول

# کامبوجیا: پنج سال پس از انقلاب ۱۹۷۵

بودند، به کمونیست‌های کامبوج پیوستند. در این زمان در حزب کمونیست کامبوج دو خط مشی وجود داشت.

## دو خط مشی در حزب کمونیست کامبوجیا

خط مشی اول بر وحدت نیروهای ملی در مبارزه ضد استعماری دوشادوش انقلابیون ویتنام و لاؤس تأکید می‌کرد و خط مشی دوم سرنگون ساختن حکومت سلطنتی سیهانوک را به عنوان وظیفه می‌رسم جنبش انقلابی قرار می‌داد. پول پوت کسه از انگیزه‌های قدرت طلبی نیز برخوردار بود. طرفدار خط مشی دوم بود.

در سال ۱۹۵۴ امپریالیسم آمریکا به رویارویی مستقیم با مردم کامبوج برخاست و سیهانوک در مقابل آمریکا شعار استقلال ملی را مطرح نمود. در اینجا بود که نمایان این دو خط مشی بطور بارزی نمودار گردید.

در سال ۱۹۶۳ هنگامی که دبیر اول حزب، تاج ساموت سرگرم دیداری از ویتنام بود. پول پوت خود را دبیر اول حزب اعلام نمود و تاج ساموت پس از بازگشت به کامبوج در یک توطئه سوء قصد بطور مشکوکی به قتل رسید که علل و عوامل این سوء قصد هیچگاه روشن نشد. در این دوره خط مشی پول پوت، به علت انحراف آن نتوانست نفوذ وسیعی در میان توده‌ها پیدا نماید و سیهانوک نفوذ زیادی در میان توده‌ها داشت. خط مشی اول تا هنگام کودتای امپریالیستی ۱۹۷۰ همچنان در حزب در اقلیت باقی ماند.

پس از کودتای امریکائی ۱۹۸۰ پول پوت تحت فشار واقع شد و سیاست تشکیل جبهه متحد ملی سیهانوک را پذیرفت و این جبهه (F.U.N.K) در هجدهم مارس ۱۹۷۰ تشکیل گردید. رژیم لاون نول که کنترل پایتخت و شهرهای اصلی را در دست داشت، دولت "جمهوری خمر" را به وجود آورد که مورد حمایت همجانبه امپریالیسم بود.

سیهانوک در هنگام کودتا در پاریس به سر می‌برد به دعوت چین به این کشور رفت و در اتحاد با کمونیست‌ها "دولت سلطنتی وحدت ملی" در تبعید را به وجود آورد و خیوسام فان رهبر جبهه متحد ملی معاونت نخست وزیر را به عهده گرفت. این دولت دارای دو بخش یکی در داخل کامبوج و دیگری "بخش خارج" در خاک چین بود. در آغاز سال ۱۹۷۳ پیش از نود درصد خاک کامبوج تحت کنترل دولت موقت درآمد بود و جبهه متحد ملی از قدرت فوق العاده‌ای برخوردار بود.

سرانجام در ۱۷ آوریل ۱۹۷۵ ارتش آزادیبخش ضربات نهائی را بر پیکر رژیم لاون نول وارد ساخت و بنوم پن را فتح کرد. لازم است گفته شود که پیروزی انقلاب ۱۹۷۵ به میزان زیادی مرهون کمک‌های بی دریغ و همبستگی رزمندگان انقلابی ویتنام با انقلاب کامبوج بود که کمک‌های نظامی و هم چنین تعلیمات نظامی وسیعی در اختیار نیروهای جبهه متحد ملی قرار داد.

بقیه در صفحه ۱۳.

**در نتیجه تئوری و عمل ارتجاعی که ساختمان سوسیالیسم را در بازگرداندن جامعه به اعماق قرون می‌دید، ضربات شدیدی به توسعه و تکامل جامعه کامبوج وارد آمد. این تئوری و عمل مورد حمایت و تشویق رهبری چین قرار داشت و "پول پوت" آن را در کامبوج نمایندگی می‌کرد.**

با دولت جداگانهای تشکیل دهد، آزاد خواهد بود که به فدراسیون بپیوندد و با آن را ترک گوید. آن خلق می‌تواند سیاست مورد علاقه خود را دنبال نماید. اتحاد برادرانه خلقها باید بر اساس اصول صداقت انقلابی، آزادی و برابری قرار گیرد. حزب کمونیست هندوچین در طول ۲۱ سال موجودیت خود توانست به وظایف تاریخی خویش عمل نماید. سه ملت هندوچین در زیر رهبری حزب و در اتحادی تنگاتنگ به مانند یک نیروی واحد به پا خاستند و در پائیز سال ۱۹۴۵ فاشیست‌های ژاپنی را سرنگون ساختند و جنگ آزادیبخش علیه استعمارگران فرانسوی را گسترش دادند.

## تشکیل احزاب کمونیست جداگانه در کشورهای هندوچین

در فوریه سال ۱۹۵۱ بنا بر پیشنهاد انقلابیون کمونیست ویتنام و موافقت سایرین، حزب کمونیست هندوچین منحل اعلام گردید و در هر یک از سه کشور احزاب کمونیست، ارتش‌های آزادیبخش و جبهه‌های متحد ملی جداگانه به وجود آمدند. در عین حال نیروهای انقلابی هر سه کشور بر پایه اصول استقلال رای، برابری، همکاری مشترک و احترام متقابل به حق حاکمیت یکدیگر به مبارزه مشترک خود ادامه دادند. در پی این تصمیم حزب کارگر ویتنام (بعد حزب کمونیست ویتنام)، حزب انقلابی خلق کامبوج (بعد حزب کمونیست کامبوجیا) و حزب انقلابی خلق لاؤس و هم چنین اتحادیه استقلال ویتنام (ویت مین)، جبهه ایسالاؤس و جبهه ایساراک خمر به وجود آمدند.

حزب انقلابی خلق کامبوج و جبهه ایساراک رهبری مبارزات ۹ ساله ۵۴-۱۹۴۵ علیه استعمارگران فرانسوی را هدایت نمود. در سال ۱۹۵۲ عده‌ای از روشنفکران کامبوج که "پول پوت" نیز در میان آنها بود و در پاریس تحصیل کرده

در سال ۱۹۷۵ امپریالیسم آمریکا همزمان با گسترش دخالت نظامی خود در هندوچین، حکومت سلطنتی سیهانوک را از طریق یک کودتای نظامی ساقط نمود و رژیم دست نشانده لاون نول را بر مسند قدرت نشاند. پنج سال بعد در هفدهم آوریل ۱۹۷۵ (۲۸ فروردین) نیروهای ارتش آزادیبخش با فتح بنوم پن حکومت لاون نول را سرنگون ساختند و دولت دمکراتیک کامبوجیا را تأسیس کردند. اتفاقی که پس از پیروزی انقلاب ۱۹۷۵ کامبوج در این کشور اتفاق افتاد و سرانجام به سرنگونی دار و دسته پول پوت منجر گردید. می‌باید در برترو برخورد به جریان مبارزه طبقاتی در حزب کمونیست کامبوجیا مورد ارزیابی قرار گیرد. غلبه تفکر سوسیالیسم تخیلی در حزب کمونیست کامبوجیا، که نوعی بازگشت به کمون اولیه و برقراری مناسبات برابری اجتماعی بر زمینه بازگرداندن جامعه به شیوه‌های توتالیتر ابتدائی و هم چنین سیاست خارجی "مبارزه با دو ابر قدرت" و انزوا طلبی را مطرح می‌ساخت (و مورد حمایت کامل رهبران چین بود) - سرانجام شرایط انفجار توده‌ها و سرنگونی دار و دسته پول پوت را فراهم نمود.

تجربه مبارزه طبقاتی در کامبوج و نتایجی که این خط مشی تجزیه نظر طلبانه که هیچ گونه قرابتی با سوسیالیسم غلبی نداشت، به بار آورد می‌باید مورد ارزیابی و تحلیل همه جانبه مارکسیست-لنینیست‌ها قرار گیرد. این تجربه نشان دهنده ورشکستگی کامل تفکرات بورژوائی و خرده بورژوائی "سه جهانی" است که رهبری چین و هوادارانش آن را نمایندگی می‌کنند. ما در اینجا به مناسبت سالگرد انقلاب ۱۹۷۵ کامبوج نظری کوتاه بر پیرویه مبارزه طبقاتی در حزب کمونیست کامبوجیا می‌افکنیم.

## تشکیل حزب کمونیست هندوچین و اوج گیری مبارزه انقلابی

در سال ۱۹۳۰ حزب کمونیست هندوچین با شرکت کمونیست‌های ویتنام، کامبوج و لاؤس تشکیل گردید. در این زمان امپریالیسم فرانسه سرتاسر خاک هندوچین را مستعمره خود ساخته و دول این کشورها را برانداخته، دستگاه‌ها و تحت کنترل یک فرماندار کل فرانسوی برای اداره مستعمره ایجاد کرده بود. فرانسه سیاست معروف "تفرقه بینداز و حکومت کن" را دنبال می‌کرد و سعی داشت با ایجاد تفرقه بین خلق‌های منطقه، آنها را از مبارزه متحد با دشمن مشترکشان سباز دارد. با درک اهمیت این مسئله بود که جبهه کمونیست‌های سه کشور هندوچین، حزب کمونیست هندوچین را برای رهبری مبارزات خلق‌های هندوچین با هدف "استقلال کامل هندوچین و زمین برای دهقانان" تأسیس نمودند. سیاست حزب در قبال مسئله خلقها که در سال ۱۹۳۵ تصویب شد، اعلام می‌کرد: "پس از بیرون راندن امپریالیست‌های فرانسوی از هندوچین، هر خلقی حق تعیین سرنوشت خود را خواهد داشت. آن خلق می‌تواند به فدراسیون هندوچین بپیوندد و



## راهیمائی کارگران (خانه کارگر) پیرانشهر



خوشنشینان و دهقانان و زحمتکش هستیم. ۴- ما خواستار دستگیری و محاکمه انقلابی ضدانقلابیون و مرتجعین منطقه هستیم. ۵- پشتیبانی بی دریغ خود را از هیئت نمایندگی خلق کرد اعلام می داریم.

کارگران وزحمتکشان پیرانشهر، دریک راهیمائی که به مناسبت ایجاد خانه کارگر برپا گردید، طی قطعنامه‌ای با تاکید بر لزوم ایجاد و تقویت خانه کارگر، به منظور ارتقاء آگاهی و تحکیم همبستگی کارگران وزحمتکشان بر علیه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، رؤس و خواست‌های انقلابی شان را به شرح زیر اعلام نمودند.

- ۱- ایجاد کاروتاسیس کارخانجات صنعتی در منطقه.
- ۲- پرداخت وام بیکاری به کارگران، تا ایجاد کار در منطقه.
- ۳- ما خواستار زمین، بذرو سایل کشاورزی برای

## همبستگی و مقاومت پیگیرانه کارگران و کارکنان انتشارات امیرکبیر به پیروزی انجامید

ز - یک لیست کردن حقوق کلیه کارگران برای ارسال به سازمان بیمه‌های اجتماعی و پرداخت غرامت به کارگرانی که حق بیمه پرداخت کرده‌اند ولی دفترچه بیمه ندارند، مهلت پرداخت غرامت تا ۱۴ فروردین ۵۹.

ح - مرخصی سالانه تا تدوین قانون کار جدید ۱۷ روز در سال. ب - پرداخت میزان عیدی به مبلغ یک ماه حقوق در سال. ی - پرداخت اختلاف دستمزد شورای عالی کار به میزان ۲۰۱۰ ریال از اول فروردین ماه ۵۸ به تمام کارگران انتشارات امیرکبیر، جیبی، خوارزمی، انبار و سایر کارکنان.

۴- حساسی روی فروشگاهها ۵- تقبل هزینه فروشگاهها توسط کارفرما. ۶- کلبه‌فروشگاه‌های امیرکبیر خوارزمی، جیبی موظفند از این تاریخ هیچگونه کتابی به صورت امانت قبول نکنند مگر با اجازه کتبی مدیر انتشاراتی امیرکبیر.

کلبه کسانی که تا آخر سال ۵۸ مرخصی طلب دارند در ۵۹ مرخصی خواهند رفت. برگشت آقایان: عباس آقایی، محمدحاج آقایی و تیمور مقصودی به محل فروشگاه‌های سابق کار خود و پرداخت حقوق و مزایای دی ماه آنها.

در پایان از فعالیست و پشتیبانی نمایندگان سندیکای کارگران کتابفروشی و انبارهای مربوطه و کارگران کتابفروشی‌های تهران و اتحادیه کتابفروشان کنار خیابان و از تمام افرادی که ما را با کمک‌های مادی و معنوی یاری نموده‌اند، تشکر می‌کنیم ضمن این که ما گزارش ۲۰ روز تحصن خود را به زودی منتشر خواهیم کرد.

زنده باد اتحاد و همبستگی نابود باد سرمایه داری وابسته و امپریالیسم کارگران متحد همه چیز کارگران متفوق هیچ چیز کارگران انتشارات امیرکبیر، جیبی، خوارزمی و انبار ۱۸ فروردین ۵۹

کارگران و کارکنان موسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر، جیبی و خوارزمی که از دهم بهمن ماه ۵۸ به منظور تحقق بخشیدن به خواست‌های خود در یکی از فروشگاه‌های موسسه متحصن شده بودند سرانجام پس از ۷ روز مقاومت یکپارچه و پیگیرانه و ضمن افشای کارفرمای موسسه (جعفری که هم‌اکنون بازداشت است) موفق شدند خواسته‌هایشان را محقق سازند. آنچه در زیر می‌خوانید متن توافقنامه بین کارگران و کارفرماست.

" به نام خدا. دوسان کارگر و مردم مبارز ایران! پس از گذشت ۲۱ روز از تحصن ما کارگران انتشارات امیرکبیر جیبی، خوارزمی و انبار توافقنامه زیر به وسیله نمایندگان ما و نمایندگان سندیکای کارگران کتابفروشی و انبارهای مربوطه با محمدرضا جعفری (فرزند کارفرما) و علیرضا حیدری (مدیرعامل شرکت سهامی خوارزمی) و با نظارت نمایندگان دادستان کل انقلاب به امضاء رسید. متن توافقنامه:

۱- عدم اخراج کارگران. ۲- عدم فروختن فروشگاهها مگر با اجازه کتبی دادستان کل انقلاب. ۳- پرداخت حقوق ضایع شده کارگران.

الف - ساعات کار بر مبنای ۸ ساعت در روز که فروشگاه امیرکبیر شعبه بازار و انبار مرکزی پنجشنبه بعد از ظهرها تعطیل می‌باشند. ب- پرداخت حق مسکن به میزان ۲۵۰۰ ریال از اول بهمن ماه ۱۳۵۸. ج- پرداخت حق خواروبار برای افراد مجرد ۱۰۰۰ ریال و افراد متأهل ۱۵۰۰ ریال (از اول بهمن ماه ۵۸).

د- ترمیم حقوق کارگران جیبی و خوارزمی و امیرکبیر و انبار به ۲۵۰۰۰ ریال در ماه از اول بهمن ماه ۵۸. ه- افزایش حقوق کارگران به نسبت افزایش هزینه زندگی از نیمه دوم سال ۵۹ و پیاده کردن طبقه بندی مشاغل. و - پرداخت حقوق و مزایای ایام تحصن از اول بهمن ماه ۵۸.

## شورای کارگران معدن سنگ مریوان، پس از مصادره معدن، اداره آنها بدست گرفت

یکپارچگی و پیگیری کارگران معدن سنگ موجب شد تا اداره کار و امور اجتماعی سندج برایین خواست‌های شورا صحنه‌گذار و کارگران پس از گرفتن مابه‌التفاوت مزد و مزایای قانون کار موفق شدند اداره معدن سنگ را نیز در اختیار خود بگیرند. هم‌اکنون معدن سنگ توسط شورای کارگران اداره می‌شود.

خصوصی " واگذار شده بود. شورای کارگران طی جلسهای خواست‌های کارگران را در دو ماده به شرح زیر اعلام داشت: ۱- پرداخت مابه‌التفاوت، (۴۰۰ ریال و ۵۶۷ ریال) از اول فروردین ۵۸. ۲- پرداخت کلیه مزایای قانون کار. ۳- مصادره معدن از دست بخش خصوصی و اداره آن توسط شورا.

در معدن سنگ بر قلعه مریوان، با وجود شرایط طاقت فرسای کار. دستمزد روزانه کارگران ۴۰۰ ریال بیشتر نبوده و علاوه بر آن کارگران از بسیاری از مزایای قانونی " وزارت کار نیز بی بهره بودند. این معدن در رژیم گذشته در مقابل پرداخت ۵۰ هزار تومان بود بعهده ۱۰ هزار تومان " اجاره سالانه " از وزارت صنایع و معادن به بخش

## ماشین مقصر است یا سرمایه دار!؟

" تقصیر کامپیوتر است... اگر حقتان را می‌خواهید بروید از ماشین بگیرید، چون کامپیوتر طرف حساب شماست نه ما. کارگران با اعتراض به این اعتراض احماقانه و عوامفریبانه، همچنین در اثر پیگیری شان سرانجام موفق می‌شوند میزان کسری سود ویژه را نیز بگیرند. (البته نماز ماشین بلک‌هاز سرمایه‌دار) چون کارگران می‌دانند که این طبقه سرمایه‌دار است که کارگران را استثمار کرده و حاصلاً کارشان را می‌دزدند کامپیوتر و ماشین‌های دیگر.

اولا - چرا باید از ساعات غیبت مان سود ویژه کسر شود ولی به ساعات اضافه کاری مان سود ویژه‌ای تعلق نگیرد؟ ثانیاً - اینها سر سود ویژه امسال مان چه بلائی آورده‌اند که اینقدر کم شده؟ آقای اشتیاق مدیر امور مالی و عضو هیئت مدیره، در توضیح این مسئله می‌گوید که " سود ویژه‌ای که به کارگران تعلق گرفته، دقیقاً محاسبه شده و هیچگونه جحافی نیست به کارگران نشده است. " ولی وقتی با اعتراضات جمعی کارگران مواجه می‌شود اینگونه استدلال می‌کند که

کارگران کارخانه سیتروئن (تهران) پس از دریافت سود ویژه سال ۵۸ متوجه می‌شوند که مبلغ دریافتی شان کمتر از مبلغی است که بایستت به عنوان سود ویژه آنها پرداخت می‌شد. این امر مورد اعتراض قرار می‌گیرد. کارگران قبل از هر چیز به نحوه محاسبه سود ویژه و ضوابط آن اعتراض نموده و از شورای کارخانه می‌خواهند که این مسئله را روشن نماید. شورا برای بررسی این امر تشکیل جلسه عمومی می‌دهد. در این جلسه مسئله سود ویژه طرح و بررسی می‌شود. کارگران می‌پرسند:



## مراسم بزرگداشت شهادت رفیق حمید رضوان



شوشتر - به مناسبت شهادت رفیق حمید رضوان، در زندان جمهوری اسلامی (که گزارش کامل آن در شماره گذشته درج شد) مراسم باشکوهی در زادگاه رفیق، شهر شوشتر برگزار شد. شهادت رفیق حمید رضوان مـ مردم را در تاشری سنگین فرورد و خشم انقلابی مردم را برانگیخت. مردم با شرکت خود در راهپیمایی بزرگداشت خاطره رفیق شهید خشم و نفرت خود را از این جنایت هولناک که پاسداران مسبب اصلی آن هستند ابراز داشتند و خواستار مجازات غامض این جنایت شدند. مردم اعلام کردند که در برابر این جنایات فحیح هرگز ساکت نخواهند نشست.

## فدائیان خلق به یاری اخراج شدگان عراق شتافتند

انقلابی خلقهای ایران و عراق در مبارزه علیه امپریالیسم امریکائی و حکومتهای سرکوبگر منطقه با تمام نیرو کوشش خواهیم کرد و با هرگونه مردم فریبی که در صدد است به اتحاد انقلابی خلقهای عرب و کرد ایران آسیب رساند مبارزه خواهیم کرد.

سازمان ما به یاری مردمی که توسط رژیم عراق از خانه و کاشانه خود رانده شده و شتافته است. حمایت بی دریغ زحمتکشان قصر شیرین از این حرکت سازمان و اعتماد صمیمانه شان به هواداران و کمکهایشان به چادرهای کمک رسانی سازمان، تجلی بارز همبستگی روزافزون زحمتکشان ایران و عراق است. ما برای وحدت



## بنی صدر در مناظره تلویزیونی گفته بود که از معرفی عاملین ترور توماج و همزمان که

در زندان جمهوری اسلامی ایران ناخواسته بینه شهادت رسیدند، اصلاً باکی ندارد.

بنی صدر تا امروز از انجام این تمهید خود پشیمان خالی کرده است.

بنی صدر عاملین این جنایت فحیح را در بینه و حمایت خود گرفته است.

## قانون کار و مساله کارگران موقت

آنکه حتی "مزایای قانون کار آریامهری نیز از کارگران درج شده است. سطح حقوق سیزده هونری ۲۵۰ ریال تا ۴۰۰ ریال باقی مانده است. دهبان نمونه از اینگونه احکافات و تبعیض و ستم طبقاتی را در بسیاری از کارگاهها و کارخانهها می توان مشاهده کرد. مادامی که قانون کار صدکارگری و آریامهری بر رابطه بین کارگر و سرمایه دار حاکم است و سرمایه دار معیارهای کارگری جدیدی تدوین نشده است، همچنان هر روز شاهد چنین تبعیضاتی خواهیم بود.

کارگران با احساس و درک ضرورت تدوین قوانینی عادلانه (کارگری) و در پاسخ به نیازهای مردم و اساسی است که تاگزیرند قدم مقدم در جهت اتحاد و تشکیل به پیش روند. تشکیلات واقعی کارگران و نمایندگان آگاه آن در سایه چنین تلاش بیکیفیتهای قادرند بر قانون کار صدکارگری موجود خط پتان کشیده و قانون کار جدیدی را که مبتنی بر منافع طبقه کارگر ایران باشد، تدوین نمایند.

همین ضعف تشکل کارگران، قانون کار آریامهری به اساسی اعمال می شود و کارفرما هیچگونه حقی را برای کارگر احراری به رسمیت نمی شناسد زیرا این قانون کار آریامهری که اکنون نیز حریان دارد، سه کارفرما این اجازه را می دهد که حتی اگر از قیافه کارگری هم خوشش نیامد، احرارحت کند.

۲- در کارگاه صنایع غذایی دیاموند (جاده قدیم کرج - پشت شیرپاستوریزه) کارگری به نام گل خام و سه فرزندش را که در این کارگاه با هم کار می کردند، اخراج می کنند.

بهاه این اخراج هم این بوده که وقتی بازرسی بیمه برای بازرسی به کارگاه می آید، او (گل خام) به بازرسی گفته که کارگر است و اسمش را در لیست بنویسد و بازرسی هم اسمش را در لیست کارگران ثبت کرده کارفرما خود سرانه او و سه فرزندش را از کار اخراج می کند، به این بهانه که گل خام و فرزندانش عنوان کارگر "موقت" داشته اند، نه "کارگر". در این کارگاه صرف نظر از

کارگران حائل شده است، خراب کنند و همواره هم در مقابل همه کارگران در مقابل بگیرند. هر چند باید به این نکته مهم نیز توجه داشت که در مقایسه با کارگران "رسمی" کارگران "موقت" به واسطه شرایط کارشان از ظرفیت تشکل بدیبری کمتری برخوردارند و پیگیری و قدرت مقابله شان در برابر قوانین و احکام ضد کارگری ضعیف تر است. در اینجا به دو نمونه از برخورد های صدکارگری کارفرمایان در مقابل کارگران "موقت" در کارگاه اشاره می کنیم.

۱- در لابراتوار داروسازی مینا (خیابان ونک) که بطور متعینه ۲۰ تا ۳۰ کارگر دارد و همه محروم از ابتدائی ترین حقوق صنفی به کار مشغولند، اخیراً یکی از این کارگران را به خاطر اعتراضی که برای احقاق حقوق خود و همکارانش کرده است، اخراج می کنند. اولاً این اخراج هیچگونه حرکت اعتراضی صنفی را برمی انگیزد، ثانیاً به خاطر

را به سرمایه دار می دهد که سیاست تبعیض و تفرقه اش را تحکیم نماید. اما کارگر موقت چه محتضاتی دارد؟ کارگر موقت بیمه نیست، روزهای جمعه حقوق نمی گیرد، در تعطیلات رسمی تعطیل نیست و اگر هم تعطیل باشد حقوق نمی گیرد. حق مسکن و خوار و بار به او پرداخت نمی شود، سود ویژه سه او تعلق نمی گیرد. برخلاف استحقاقی ندارد، بیش از ۸ ساعت در روز کار می کند و خلاصه از افزایش دستمزد سالانه، اضافه کاری، حق اولاد و... دیگر حقوق ابتدائیتی صنفی نیز محروم است و علاوه اخراج او برای کارفرما آسان تر است. همه اینها به طبقه سرمایه دار این اجازه را می دهد که دیواری بیمن کارگران "موقت" و سایر کارگران (رسمی) بکشد. یعنی در واقع در درون طبقه کارگر به کمک قانون کار صدکارگری شکاف اندازد. کارگران موقت قبل از هر چیزی باید این دیوار را که بین آنها و دیگر

سرمایه داران در بسیاری از کارگاهها و کارخانهها، کارگران را با دو عنوان کارگر رسمی (استخدامی) و کارگر موقت (بیمانی) و استثمار می کنند و بر اساس چنین دسته بندی ای، بر گروه دوم احکاف بیشتری روا می دارند. وقتی کسی بعنوان کارگر مشغول به کار می شود، باید در رابطه با صوابط عمومی قانون کار قرار گیرد (اینکه این "صوابط" چگونه صوابطی است، سخن دیگری است که در اینجا مجال بحث آن نیست). طرح مسئله کارگر ثابت و کارگر موقت، طرحتی است تبعیض طلبانه و ضد کارگری. سرمایه داری این تبعیض را آگاهانه دامن میزد تا در مقابل اعتراضات کارگری از قدرت کنترل و سرکوب وسیع تری برخوردار باشد. سرمایه دار چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی وقتی به کارگری عنوان روزمزد یا بیمانی، صفتی یا موقتی می دهد، متعاقب آن به خود این "حق" را نیز می دهد که او را از تمام "مزایای" قانون کار نیز محروم سازد و قانون کار نیز متغیلاً این حق

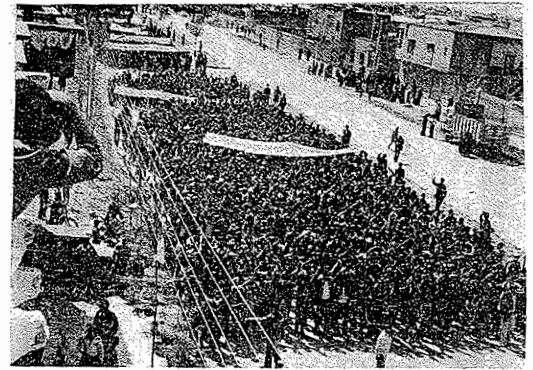
گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که  
در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

اجتماع پرشکوه مردم شهرها  
وروستاهای ترکمن صحرا به مناسبت

گرامیداشت چهلمین روز

شهادت فدائیان شهید

توماج، مختوم، واحدی و جرجانی



روز جمعه ۸ فروردین ماه، ۵۸ دهههزار نفر از گروه‌های مختلف مردم ترکمن صحرا در روستای یلمه‌سالیان زادگاه فدائی شهید شیرمحمد درخشنده توماج که به نا جوانمردانه‌ترین شیوه‌ها به اتفاق همزمانش در زندان جمهوری اسلامی

توسط پاسداران ترورشدهند، گردآمده و چهلمین روز شهادت وی را گرامی داشتند. در این مراسم که اکثر از زحماتشان روستائی شرکت داشتند، ابتدا نماینده سازمان چریکهای فدائی خلق سخنانی ایراد بقیه در صفحه ۱۵

# در مبارزه مردم خاورمیانه علیه امپریالیسم آمریکا، شورای انقلاب در کنار کیست؟

سندی که می بینید، نشان میدهد که خامنه‌ای و قطب زاده به دستور شورای انقلاب، ۲۰ میلیون ریال در اختیار نیروهای افغانی که با حمایت آمریکا و دولت ارتجاعی پاکستان علیه مردم این کشور می جنگند، قرار داده‌اند. این دو نفر قبلاً از طرف شورای انقلاب مامور این کار شده بودند که خبر آن در مطبوعات درج شده است. شورای انقلاب در شرایطی به کمک دست نشانگان آمریکا در افغانستان می شتابد که کارگران و زحمتکشان میهن زیر فشار گرانی کمرشکن قرار دارند و برخی از مردم ما به نان شب محتاج‌اند و کارگران بیکار که حق بیمه بیکاری را طلب می‌کنند به گلوله بسته می‌شوند.

شورای انقلاب ادعا می‌کند با امپریالیسم آمریکا مبارزه می‌کند. اما این سند که تنها یک نمونه از کمک آنها به وابستگان آمریکا در منطقه است، نشان می‌دهد که آنها به منافع امپریالیسم خدمت می‌کنند و ادعای مبارزه با آمریکا را تنها در حرف دارند و در عمل درست عکس آن را انجام می‌دهند.

بانک مرکزی ایران - مطابقت ریالی

بکتر چک شماره ۱۵۲۳۰۱ مورخ ۱۳۵۹/۱/۱۷ مبلغ بیست و یک میلیون و سیصد و هشتاد و هشت هزار و ۲۰۰ ریال (۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰) بابت کمک به نیفت آزاد، بخش انقلاب استان افغانستان به پست ارسال میگردد. خواهشمند است دستور فرمایید مبلغ مذکور را به مرکز انقلاب اسلامی قزوین محبت شماره ۷۳۳۰ بانقش ایران تحویل نموده شریک نام آقای... فرماندهی محلی مسئول مسئول ارسال وجه از حساب ۴۰۲۲۵ برداشت و بنام ابراهیم... دارند.

مادری فضا زاده  
سید علی حسینی سامانی

۴۰۲۲۵

# باند های سیاه مزدور سرمایه داران

خلق مبارز ایران در دوران پرشکوه انقلاب شاهد پیدایش ورشد گروه‌ها و دستجاتی بودند به نام "جماعت به‌دستان" و بعد از قیام دلاوران شان نیز می‌بینند که جماعت به‌دستان وقدره کشتان در گروه‌های به نام "حزب الله" گرد هم آمده‌اند. کار این گروه‌ها حمله به تظاهرات راهپیمایی‌های سازمان‌های انقلابی و ضد امپریالیست، حمله به دفاتر سازمان‌های سیاسی مترقی، حمله به کتابخانه‌ها و آتش زدن کتابها و نشریات، آدم رباچی، تهدید و ترور، دستگیری

و شکنجه نیروهای مبارز و ایجاد محیطی خفقان آلود برای نیروهای انقلابی است. "باند های سیاه" در هر کشوری در دوران انقلابی آن کشورها و مدتی بعد از پیروزی انقلابات به وجود می‌آیند و فعالیت‌های ضد انقلابی خود را با برنامه‌ای که از طرف نیروهای ضد انقلاب به آنها داده می‌شود پیش می‌برند.

می‌گمانند. در عصر امپریالیسم کانون اصلی تکوین و رشد چنین باندهایی کشورهای امپریالیستی بوده و شبکه‌های وسیع از باندهای سیاه در سراسر جهان گسترده می‌شود. سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی کشورهای امپریالیستی بر فعالیت این شبکه‌ها نظارت دارند و فعالیت این گروه‌ها زمانی به اوج خود می‌رسد که خیزش توده‌ها علیه امپریالیسم و وابستگان شان اوج می‌گیرد. باندهای سیاه از طرف ضد انقلاب علیه انقلاب به وجود می‌آیند و زمانی شکل می‌گیرند که دیگر بقیه در صفحه ۴

۱۱۱ روزهشت اول ماهمه روز جهانی کارگر-

روز اتحاد و مبارزه کارگران را گرامی می‌داریم

پیش بسوی تشکیلات حزب طبقه کارگر